

# آشيق شيرين و بيرچك خانيم

زنگان آشيق داستانلاريندان

سؤيلهين: آشيق التفات داوود بيگي

تدوين و مقدمه: م. كريمي



نشر اختر

سر شناسه	: کریمی، محمدرضا، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: آشیق شیرین و بیرچک خانیم: زنگان آشیق داستانلاریندان / تدوین و مقدمه ل. م. کریمی.
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۸۸۷-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: زنگان آشیق داستانلاریندان.
موضوع	: عاشیق لار
موضوع	: Ashiq lar
موضوع	: ادبیات عامه ترکی -- ایران -- آذربایجان
موضوع	: Folk literature, Turkish -- Iran -- Azerbaijan
موضوع	: عاشیق لار -- سرگذشتنامه
موضوع	: Ashiq lar -- Biography
رده بندی کنگره	: PIR۸۴۹۵/۴آ۵ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۳۹۸/۲۰۹۵۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۵۴۹۷۴



نشر اختر

## آشیق شیرین و بیرچک خانیم

زنگان آشیق داستانلاریندان

سؤیله‌ین: آشیق التفات داوود بیگی

تدوین و مقدمه ل. م. کریمی

ناشر: نشر اختر

چاپ اول ۱۳۹۵ / ۷۲ صفحه / قطع رقعی / ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۸۸۷-۹

مرکزفروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۹۱۴۱۱۶۶۸۹۷ و ۰۴۱-۳۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۹۵۰۰ تومان



#### فهرست مطالب

۴.....	مقدمه.....
۶.....	خنیگران سرزمین ماننا (آشقیهای زنگان).....
۱۸.....	آشیقلا ادبیاتیندا بیر باخیش.....
۲۹.....	آشیق التفات.....
۳۱.....	آشیق گلابعلی داوودی.....
۳۳.....	آشیق شیرین و بیرچک خانیم.....
۶۱.....	مؤخره.....

## مقدمه

در میان آشیق‌های زنگان، قدیم‌ترین آشیقی که نام برده می‌شود آشیق شیرین و آشیق جمال معروفتر از همه و در عین حال جزو قدیمترین آشیق‌های منطقه بشمار می‌آیند. اطلاعات موثقی در مورد زندگی و آثار آنان در دست نیست. روایات آشیق‌ها حاکمی از این است که آشیق شیرین حدود ۴۵۰ الی ۵۰۰ سال پیش در خرمدره زندگی می‌کرده است. امروزه تنها یک داستان – داستان آشیق شیرین و بیرچک خانیم که شرح مبارزه و مناظره‌ی این دو آشیق به همراه برخی اشعار پراکنده‌ی او در دست است.

این داستان توسط آشیق‌های بعدی و احتمالاً از طرف شاگردان او با شناختی که از زندگی و مناظره‌های او داشته‌اند روایت گشته و زبان به زبان روایت شده و تا به امروز باقی مانده است. علاوه بر این داستان، اشعار پراکنده‌ای نیز بدو منسوب است. بر اساس اشعار و مضمون این داستان می‌توان فهمید که آشیق شیرین جزو زبده‌ترین آشیق‌های دوران بوده، زندگی سالم و پاک، شخصیت مورد قبول عامه و مورد احترام همگان بوده است. داستان نشان می‌دهد که او نزد عالمان و روحانیون نیز از احترام خاصی برخوردار بوده است. مهارت وی در نواختن ساز، سرودن اشعار و خواندن ترانه‌های آشیقی زبانه‌زاد خاص و عام بوده و شهرتش از مرزهای منطقه نیز فراتر رفته است، بطوری که برای غلبه بر آشیق‌های شناخته شده‌ی مناطق دیگر، دست بدامان او می‌شده‌اند. او نیز با هنر خود وارد میدان مبارزه می‌شده و غالباً در همین مناظره‌ها پیروز می‌شده است.

او در عین حال، همانند دیگر آشیقهای آذربایجان دارای اعتقادات استوار مذهبی بوده و در دستی قرآن و در دستی دیگر ساز داشته است. در اشعار او، ایمان قلبی و باورهای راسخ دینی خود می‌نماید. در همین داستان رقیب او، یک دختر مسیحی است که بعد از مناظره با آشیق شیرین به اسلام روی می‌آورد و مسلمان می‌گردد. او با هنرش قاطی جنبشهای مردم شده و در شادیها و سوگواریهای مردم شرکت کرده و از نزدیک با زندگی مردم جوشیده و قاطی حرکتهای اجتماعی آنان شده است.

جالب اینست که محققان خارجی نیز از زندگی و آثار آشیق شیرین مطالب ارزشمندی نوشته‌اند و لذا شهرت هنر او از مرزهای کشورمان فراتر رفته است. ولی افسوس که در وطن او نخستین اثر اینک به رشته‌ی تحریر درمی‌آید که امیدواریم گام‌های بعدی در بازآفرینی و گردآوری گنجینه‌ی ارزشمند ادبیات آشیقی استوارتر و گستره‌تر برداشته شود.

## خنیاگران سرزمین ماننا (آشیقهای زنگان)

### چکیده

ادبیات آشیقی در ایران دارای تاریخی کهن است و زنگان نیز از این ادبیات بهره‌های فراوان برده است که برخی از آشیقهای زنگانی در چهار - پنج سده‌ی پیش شناخته شده‌اند. با اینحال، تا امروز کتابی در باره‌ی ادبیات آشیقی زنگان نوشته نشده است. در این مقاله تلاش خواهد شد به عنوان مقدمه‌ای بر ادبیات آشیقی این دیار، اندک اطلاعاتی داده شود و راه را برای پژوهش‌های بعدی بگشاید. ادبیات و موسیقی آشیقی پیوندی ناگسستنی با عرفان و تصوف دارد و در واقع در زمان سلجوقیان این دو ادبیات - عرفانی و واقعگرا از هم جدا گشته‌اند؛ اما ادبیات آشیقی پیوند استوار خود را با مذهب و بویژه امام اول شیعیان حفظ کرده و شاه مردان، منبع اصلی الهام آشیقها بوده است. سعی می‌شود نمونه‌های داستانی مربوط به منطقه که در ادبیات کتبی نیز نمود یافته است ارائه گردد.

هر قوم و ملتی دارای موسیقی و آلات خاص آنست که معمولاً برای نواختن نغمه‌های ملی خود از آن بهره گرفته و این آلات و نغمات در اساطیر و مناقب آن ملت نفوذ می‌کند و خاطره‌ی آنرا قرن‌ها زنده نگه می‌دارد. کهن‌ترین آلت موسیقی در میان ترکان زنگان نیز همان ساز آشیقهاست که در دوران باستان قوپوز نامیده می‌شد و خود آشیقها نام اوزان را داشتند. اوزان به معنی سراینده و بهم دوزنده و ردیف کننده است که از مصدر اوزماق آمده است. کلمه‌ی آشیق نیز از کلمه‌ی یاشیق به معنی ایشیق و خنیاگر گرفته شده است که البته این کلمه در طول زمان با کلمه‌ی عشق و عاشق از عربی ممزوج شده و چون آشیقها همواره از داستانهای عشقی سخن رانده‌اند بدانان عاشیق نیز گفته شده است. اوزانها همواره با قوپوز شناخته شده‌اند حتی تصاویر و تندیسهایی در طول تاریخ از آنان بدست آمده است که با مشخصات امروزی آنان تطابق دارد. بر روی یک جام زرین که از دوران ماننا (دولت ماننا در دوران پیش از میلاد و آمدن آریایی‌ها به سرزمین ایران که آثارشان امروزه در استان زنگان باقی است) بدست آمده است اوزانی با لباسی مشابه

لباس امروزی و سازی با همان مشخصات ساز امروزی را نشان می‌دهد. همینطور تندیس از سومریان بر روی سنگی که تصویر خنیاگری با سازی بر روی سینه همانند آشیقهای امروزی زنگان نقش بسته است به ثبت رسیده است. این تصویر نیز به هزاره دوم پیش از میلاد مربوط می‌گردد. همچنین در سال ۱۳۸۹ در کنار پل معروف خداآفرین در کرانه‌ی رود ارس، سازی کشف شد که کاسه‌ی آن از کاسه‌ی لاک پشت بوده است و این ساز امروزه در موزه‌ی آذربایجان تبریز نگهداری می‌شود. آزمایشات گاما ری نشان داده است که ساخت این ساز به ۴۲۰۰ سال پیش برمی‌گردد.

کتاب تاریخی متعددی از آسیای میانه گرفته تا شرق اروپا از اوزانهای در دربار خاقانها سخن به میان آورده‌اند که وظایف تحریک و ترغیب اردوی جنگی را بر عهده داشته‌اند. تاریخ نشان می‌دهد که اوزانها در مقاطع تاریخی وظایف مختلفی را داشته‌اند. آنان از دوران باستان تا قرون اولیه اسلامی ضمن اینکه همواره در کنار خاقانها بوده‌اند هم به عنوان مشاوران و سفیران دولتها و هم وظیفه‌ی حفظ و روایت تاریخ را نیز بر عهده داشته‌اند. در منابع تاریخی از زمان امپراتوری اویغورها تا دربار سلجوقیان از چنین تکالیف اوزانها سخن گفته شده است. در آثار شاعران فارسی گوی سده‌های چهارم و پنجم هجری مانند سنایی، منوچهری، عطار و... از اوزانها سخن رفته و در آثار شاعرانی چون مولوی، یونس امره، گلشهری و خواجه مسعود به مشخصات این خنیاگران اشاره‌ها شده است. آنان راهب، ساحر و شاعر بوده‌اند. تورانیان یا Tonguzlar آنان را شامان می‌گفتند. ترکان آلتائی، آنان را گاما یا قاما خوانده و قیرقیزها بدانان باقسی گفته‌اند که امروزه ترکمنهای ایران نیز آنان را "بخشی" می‌نامند. این خنیاگران مهارتهای چندی داشته و به امر طبابت، سحر، موسیقی، شعر و داستان خواندن می‌پرداختند و تقدیم قربانی به خدای آسمانها (گوگ تانری)، روانه کردن مردگان به اعماق زمین (شرکت در مراسم دفن)، بازداشتن جن‌های شرور از شرارت، زنده نگهداشتن یاد و نام قهرمانان با سرودن داستانها (همچون داستانهای دده قورقود) از جمله وظایف آنان بوده و هر یک از این کارها، آیینهای جداگانه‌ای داشته است. امروز هم وظایف اوزانها در میان قزاقها و قیرقیزها و ترکان آلتائی به همان شیوه کمابیش پابرجاست. اوزان در این آیینها استغراق پیدا کرده و شعر می‌سراید و قوپوز می‌نوازد. برخی از این اشعار، قدیم‌ترین شکل شعر

ترکی را به یادگار نهاده‌اند که از آن جمله می‌توان به چندین کتاب باستانی مانند گۆزلیک بویاسی، پارلاق الهی نامه‌سی، بورکانچیا حورمت (کتابهایی بودایی) و . . . موجود است و شاعرانی چون آپرین چول تگین، سنقوسلی توتونگ، قول ترخان، پراتیایا، آسیق توتونگ، چیسویا توتونگ، و . . . به عنوان خالق چنین آثاری نام برده می‌شوند. این اشعار و داستانها با آهنگ و صدای قوپوز خوانده می‌شده و تاثیرات سحرانگیزی داشته‌اند. این موسیقی دارای تاریخی بسیار کهن است که تحت تاثیر تمدن چین، هند و ایران ماهیت بومی یافته و ماهیت خود را نیز تا به امروز حفظ کرده است. این فرهنگ با فرهنگ اسلامی نیز هماهنگ گشته و از بین نرفته است. بی‌تردید نفوذ اجتماعی اوزانها و وظایف آنان بسیار عظیم بوده و گرنه نمی‌شد تا امروز پابرجا مانده باشند. آنان هرچند که با زمان تغییر ماهیت داده و گاه به چند شعبه تقسیم شده‌اند، اما تاریخ گواه است که اساس کار آنان ثابت مانده و با زمان هماهنگ شده‌اند. از جمله نقش آنان در زمان سلجوقیان و صفویان به مقایسه نشست و تکامل و تکوین این هنر را مشاهده کرد. می‌بینیم که اوزانها در اردوی سلاطین سلجوقی و صفوی با داستانگوئی و زنده نگداشتن یاد و خاطره‌ی شهیدان انجام وظیفه کرده و حتی در سوگواری‌ها نیز نقش ارزنده‌ای ایفا کرده‌اند؛ نمونه‌ی بارز آن را در جنگ چالدران می‌بینیم که به عنوان کمک و یاور شاه اسماعیل صفوی در تحریک و تقویت روحیه‌ی بنیادی اردو بوده‌اند.

در زمان سلجوقیان داستانهای فراوانی از قهرمانان روایت می‌شده و در اردوی آنان این داستانها طرفدارانی داشته است. در زمان سلجوقیان آشیقها همان نقش ریش سفید ایل، دانا و رهبر جامعه را داشته و گاه به عنوان سفیر یک قوم و ملت با قوم و ملت دیگر پیامها را رد و بدل می‌کرده‌اند، اما شاخه‌ی دیگری از همین خنیاگران با عنوان دراویش به مسایل دینی دل بسته و تا اندازه‌ای رنگ مذهبی گرفتند. اینان به داستانهای پیامبران و امامان دل بستند و اوزانها به داستانهای حماسی و عشقی دل دادند. نخستین داستانهای آشیقها هنوز رنگ و بوی داستانهای مذهبی را داراست از جمله موضوع داستان بطلال یا باتتال نامه مربوط به قهرمانیهای بهادر دوران بنی امیه در جنگ با رومیان می‌شود یا داستان سالتوق بوغراخان به داستان نخستین بنیانگذار سلسله‌ی قاراخانیان مربوط می‌شود که روایات مذهبی فراوان در رابطه با او و پیامبر عظیم‌الشان



اسلام موجود است. از این زمان رفته - رفته آشیقها با مسایل قهرمانی دل خوش می- دارند و داستانهای حماسی را می-سرایند و دنبال قهرمانان می-گردند. این روند تا قرن هفتم هجری در ایران مشهود است و شاعران چندی نیز به این امر و حادثه اشاره می- کنند.

بنابراین اوزانها در دوره‌ی سلجوقیان به دو گروه اصلی درویش و آشیقها تقسیم شده- اند. درویش با روی آوردن به عرصه‌ی تصوف و طریقت، به سرودن داستانها و اشعار مذهبی روی آورده و آشیقها با حفظ نوع اشعار و داستانهایشان در شادیها و جشنهای مردمی باقی مانده‌اند. آشیقها بیشتر در خدمت مردم و زندگی طبیعی مردم مانده و آنان را در رسیدن به زندگی عادی و شادیهای زندگی کمک کرده‌اند، در حالیکه درویش همت خویش را در تبلیغ و رواج اعتقادات مذهبی به کار گرفته‌اند. هرچند که اختلافی بین آنان موجود نیست اما یکی بیشتر در شادیها شرکت داشته و دیگری در شئونات مذهبی جامعه به ایفای نقش پرداخته‌اند.

آشیقها به سرایش اشعار عاشقانه و حماسی دل می-بندند و برخی از داستانها را زبان به زبان سروده و پر آوازه ساخته‌اند. برخی از این داستانها، توسط شاعران بزرگ به نظم کشیده شده است و لذا همبستگی و هماواز بودن شاعران و آشیقها یا بعبارت دیگر ادبیات کتبی و شفاهی ملموس می-گردد. در بررسی‌های عالمان بزرگی که در مورد احمد یسوی - پیر ترکستان تحقیق به انجام رسانده‌اند آمده است که در بین پیروان خواجه احمد یسوی، علاوه بر شاعران متصوف مردمی، یعنی شاعران خانقاهها گروهی، شاعران مردمی یعنی آشیقها هم وارد عرصه شدند و ساز در دست خانقاه به خانقاه، قهوه‌خانه به قهوه‌خانه و شهر به شهر می-گشتند<sup>۱</sup>.

شاهد آن هستیم که در قرن هفتم هجری برخی مثنویها نوشته می-شود که داستان آنها از زبان آشیقها نیز گفته می-شود، نمونه‌ی چنین داستانهایی داستان آشیقی "بهرام و گول خندان" از یک طرف و "سهیل و نوبهار"<sup>۲</sup> - در واقع همان داستان اما به صورت

۱ پروفیسور محمد فؤاد کوپرلی، صوفیان نخستین در ادبیات ترک، ترجمه: دکتر توفیق سبحانی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸.

۲ خواجه مسعود، سهیل و نوبهار، تصحیح و تدوین: م. کریمی، تبریز، ۱۳۹۵، مقدمه.

مکتوب - از شاعر معروف خواجه احمد مسعود است. جالب آنکه آشیقها به دنبال حماسه-های آلپ - یعنی قهرمانی هستند و شاعر این عصر که خود یکی از شاعران اهل تصوف هم هست و رابطه‌ی نزدیکی باید با اوزانها داشته باشد مشخصات آلپها را توصیف می-کند و می‌نویسد:

قانی اول کیم ایستر آلپ لیق آدینی

آلماق ایستر دوشمندن دادینی.

دوشمنی قهر ائیلیوب باسماق دیلر

باشین آت یانینی آسماق دیلر.

گلسین ائشیتسین کی آلپ لیق نّجه دیر

آلپ لارین سرمایه سی گۆز کیم نه دیر.

ائده بیم بیر - بیر سنه احوالینی

کیم بیله سین آلپ ارنلر حالینی. . .

که در این شعر آلپ بودن را در ۹ چیز می‌شمارد که عبارتند از: دل استوار، بازوی توانا، غیرت، اسب خوب، لباس ویژه، کمان، شمشیر خوب، سرنیزه و یار موافق.

همانگونه که می‌بینیم این عوامل برای قهرمان بودن و لایق سرودن از قهرمانان را لازم می‌شمارد. شاعران این دوره که در واقع جزو نخستین شاعران ترک گوی ایران هم بشمار می‌آیند مانند شیاط حمزه، بابا الیاس، خواجه دهانی، دورسون فقیه، نقیب اوغلو، معرف لاذقی، بیگ بازرلی حسن، گلشهری و چندین شاعر دیگر که نسبت به داستانهای اوزانها علاقه‌ای دارند و خود از داستان سرایان و مثنوی نویسان ترک ایرانند. از آن جمله خواجه احمد مسعود با سرودن سهیل و نوبهار نیم چشمی هم به آفرینش اوزانها داشته و امروزه بهرام و گول خندان همان موضوع مثنوی است که در ۵۵۰۰ بیت از طرف وی سروده شده است. این داستان امروزه جزو داستانهای آشیقهای زنجانی بشمار است و در دیگر شهرهای آذربایجان کمتر شنیده می‌شود.

گفتیم که اوزانها وظایفی چون سفیر و ائلچی بین دولتها و ملتها را به گردن گرفته و پیام آور صلح و دوستی بین ملتها هستند. جالب است بدانیم که دده قورقود در اوان ظهور اسلام به همراه غازان خان رهبر اوغوزها به حضور پیامبر گرامی شرفیاب شده و ضمن

پذیرش اسلام برای تبلیغ اسلام در بین ترکان اجازه گرفته است. کتاب دده قورقود نخستین اثر اوزانها و نخستین منقبه های ترکی در ایران محسوب می شود. از این منقبه های دیرینه ی ترکی دو نمونه ی مکتوب بر جای مانده است که یکی بدور از تاثیر اسلامی است و به خط اویغوری نوشته شده که شکل کهنه تری را نشان می دهد<sup>۳</sup> و دیگری شکل اسلامی آن است که اولین بار رشیدالدین فضل الله وزیر غازان خان در کتاب جامع التواریخ ذکر کرده است. ذکر این نکته هم حائز اهمیت است که رشیدالدین برای نگارش اثر خود آثار کهنی در دست داشته که این منقبه و دیگر مناقب شبیه آن، از زمانهای بسیار دور ضبط و ثبت می شده است. ابوبکر عبدالله الدواداری از کارگزاران سلطان محمد قلاون حاکم مصر در قرن هفتم در کتاب مهم خود با نام "دُررالتیجان" می نویسد که ترکان، دو کتاب مقدس با نامهای اولوخان آتا بیتیکچی و اوغوزنامه داشتند که ابتدا از ترکی به فارسی ترجمه شد و در سال ۲۱۱ هجری توسط جبرائیل ابن بختیشوع حکیم باشی هارون الرشید به عربی ترجمه گردید. این نسخه از خزانه ی کتابخانه ی ابومسلم خراسانی آمده بوده است. پروفیسور کوپرولو در اثر معروف "نخستین صوفیان تصوف در ادبیات ترک" اضافه می کند طبق اطلاعاتی که این شخص به دست می دهد محتوای این کتاب عبارت از اولوغ قراطاغ، آلتون خان، اول آی آتاجی، اولو آی آتاجی، ترک لر یمینی، منقبه ی چوجوق ارسلان و نظایر آن بوده است. منقبه ی اوغوزنامه که شکل اسلامی آن در کتاب رشیدالدین و متن اویغوری آن هم موجود است باز از همانجا آمده است. ابن بطون هم که در قرن هشتم میلادی از آلتون اردو بازدید کرده است می نویسد که بعد از تلاوت قرآن و تغنی به عربی، ملمعاتی به ترکی<sup>۴</sup> هم می خواندند.

ابوبکر بن عبدالله الدواداری در کتاب ارزشمند خود "تاریخ مختصر" مرقوم می دارد که دده قورقود ابتدا در دربار ساسانیان و در پیش بوذرجمهر وزیر انوشیروان بوده و سپس به خراسان منتقل شده است. تردیدی نیست که کتابهای دیگری هم به ترکی در کتابخانه های مشرق زمین موجود بوده است. این کتابها بخشی از آفریده های اوزانها بوده اند.

3 Radloff: Das Kudatku Bilik, Tom 1, p X – XIII.

<sup>۴</sup> سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱، ص ۳۶۵.

اوزانها مدت‌های طولانی با روایت داستان‌هایی چون دده قورقود، باتتال نامه، سلطان سالتوق و غیره، همدوش درویشان اهل تصوف کار می‌کرده‌اند و در بسیاری از مراسم و آیینها با آنان بطور مشترک عمل می‌کرده‌اند. همچنین می‌دانیم که درویشان و اهل طریقت‌های صوفیانه در سلک و سلوک خود به مقامات بالاتر و وصال حضرت حق نائل می‌آمدند و با نشان دادن کرامتها و روایت آنها در افواه عمومی شهرت و آوازه ی بسیاری می‌یافتند و مورد احترام توده‌ی مردم قرار می‌گرفتند.

تردیدی نیست که اوزانها نیز دوست می‌داشتند در ذکر مناقب اولیا و وصال حضرت حق راهی داشته باشند؛ لذا لقب‌هایی همچون "حق عاشیقی" مطرح گردید. اما می‌دانیم که رسیدن به چنین مقامی در دسترس همگان قرار نمی‌گیرد. بلکه آشیق یا اوزان می‌بایست انسانی پاک و منزّه بوده، دارای اخلاق و حسنات شایسته گشته و مورد وثوق عامه قرار گیرد. همچنین می‌بایست چنان شناختی داشته باشد که حق را از باطل تشخیص دهد و همواره از جبهه‌ی حق دفاع نماید. در هنر و اطلاعات چنان مبرز و بارز باشد که در پاسخ هیچ سوآلی نماند. برای رسیدن به چنین مقامی بایست ریاضتها کشید، دنیا را گشت و تجربه آموخت، سرد و گرم روزگار چشید و به پیش بینی اوضاع آینده نیز واقف گشت. برای رسیدن به چنین موقعیتی تلاشی همه جانبه لازم است و در هر سده شاید تنها یک اوزان به چنین موقعیتی نائل آید. او که همواره حق را از باطل تشخیص می‌دهد، فریب ریاکاران نمی‌خورد، طمع مال و منال دنیا چشمان او را کور نمی‌کند و از همه مهمتر در برابر ظالمان و ستمگران می‌ایستد و همچون قهرمانان داستانها علیه هرچه زور و ستم وریاکاریست قد علم می‌کند و چنین آشیقی الحق که لیاقت لقب "حق آشیقی" را دارد.

متأسفانه اخیراً مقالاتی چاپ شده که در آن چنین آمده که شئی را زیر قابلمه مخفی می‌کنند و اگر آشیق بگوید نام آن چیز چیست لقب حق آشیقی می‌گیرد؟! این بینش‌های ساده لوحانه بی آنکه درکی از تاریخ و منزلت آشیق و اوزان داشته باشند ارزش "حق آشیقی" را تا حد چشم بندی و شعبده بازی پایین می‌آورند.

آخرین داستانی که راقم این سطور از پایان کار کوراوغلو شنیده و ضبط نموده‌است نشان می‌دهد که کوراوغلو در انتهای کار بعد از قهرمانیها و دیدن اینکه اوضاع قهرمانی

رو به وخامت گذاشته راه چهل تنان را در پیش گرفته و به صفوف اهل تصوف می‌پیوندد. این داستان با وجود برخی سوالات اساسی که وجود دارد نشان از یکی بودن ریشه‌ی اوزانها و دراویش دارد.<sup>۵</sup>

اما در عرصه‌ی ادبیات شفاهی و ادبیات مدون ترکی سخن بسیار است. آشیقهای ما بویژه آشیقهای زنکان داستانهای روایت می‌کنند که بیشتر بومی تلقی می‌شوند. بالفرض داستان بهرام و گول خندان را طوری روایت می‌کنند که حوادث آن در زنجان و رودبار اتفاق می‌افتد. یا داستان ورقا و گولشا در همین مناطق روی داده است. ناگفته نماند که این داستانها در کل فرهنگ آذربایجان روایت می‌شوند و تمام آشیقهای آذربایجان این داستانها را بازگویی می‌کنند. اما شکل بومی دادن به این داستانها نشان از وجود تاریخی استوار در باب داستانگویی در زنگان است. لذا می‌توان زنگانی بودن این داستانها را پذیرفت. جالب آنکه این دو داستانی که نام بردیم در قرن هفتم هجری بصورت مکتوب به شعر سروده شده اند و در اینجا اشاره‌ی کوتاهی به آنها خواهیم داشت.

نخست بهرام و گول خندان. راوی این داستان در زنجان آشیق مسلم عسگری ۶ است. در این داستان بهمن شاه، شاه آذربایجان فرزندی به نام بهرام دارد. او جوانی غیور و دلاور است. روزی در خواب شاه مردان امیرامومنین علی (ع) به خوابش آمده و دختر فغفور چین را بدو "بوتا" ۷ می‌دهد. نام اول گول خندان است و بهرام راه دراز و سختی را در پیش می‌گیرد تا یار خود را بدست آورد و به آرزویش برسد. جالب آنکه گول خندان نیز همین خواب و رویا را می‌بیند. بهرام گام در راه طولانی می‌گذارد و دلاوریها نشان می‌دهد. در سر راه به شوی گول خندان، با دختر دیگری با نام ماه انور آشنا می‌شود، اما از او می‌گذرد و بعد از جنگ و ستیزها و برداشتن دشواریها از سر راه، به زور بازو و تدبیر خرد پیش می‌رود. در نهایت برادر بهرام به ماه انور می‌رسد و بهرام نیز به وصال گول خندان

۵ م. کریمی، کوراوغلونو قیرخلارا قاتیلماسی، فصلنامه آذری، شماره بهار ۱۳۹۵.

۶ آشیق مسلم متولد ۱۳ در طارم زنگان است که دهه داستان را تا امروز بر روی کاستها ضبط کرده و در جشنواره های مختلف داخلی و خارجی شرکت کرده و مورد تقدیر قرار گرفته است.

۷ بوتا دادن در هنر داستانرایی آشیق عبارتست از خوابی که معمولاً حضرت علی یا حضرت خضر به خواب قهرمان آمده و ضمن بخشش قدرت بزرگی از هنر آشیقی، سوگلی او را نیز بدو نشان می‌دهد و او را برای دست یافتن به سوگلی اش ترغیب می‌کند.

نایل می‌گردد. داستان همین است اما هنر آشیق اینست که روزها و هفته‌ها با زبانی شیوا و نواختن سازی دلنشین، شنودگان را همچنان حریص و مشتاق نگه می‌دارد و داستان را در چند روز پیاپی ادامه می‌دهد و با شعر و موسیقی جان آنان را صفا می‌دهد.

یاد آوری می‌شود که این داستان واریانتهای گوناگونی دارد. به نظر برخی این داستان همان داستان بهرام گور ساسانی است که چون تاج شاهی را از او گرفته‌اند به آذربایجان پناهنده شده است. زمان تاریخی آن مصادف است با حکومت گوگ تورکان و خزران در آذربایجان. در باره‌ی بهرام گور داستانهایی در میان فارسی زبانان نیز موجود است که از آن جمله تاج شاهی خود را باید از میان دو شیر برگیرد. او نیز هر دو شیر را کشته و تاج شاهی را برمی‌دارد. اما در داستان آذربایجانی، بهرام باید از میان دو عشق - گول خندان و ماه انور یکی را برگزیند. نکته‌ی جالب اینست که گول خندان از بهرام می‌خواهد تا شاهی را بدست آورد تا بتواند با او ازدواج کند. این همان داستانی است که نظامی کبیر در هفت پیکر بدان پرداخته است. بهرام با گرفتن تاج شاهی، لیاقت خود را نشان می‌دهد. نظامی در اثر خود نشان می‌دهد که هرگاه بهرام در ورطه‌ی عیش و خوشگذرانی می‌افتد دشمن بر سرزمین او هجوم آورده و او را با مصیبتی بزرگ روبرو می‌کند. اما عشق، همواره او را از منجلاب آلودگی و خوشگذرانی به سعادت و بزرگمردی هدایت می‌کند. نظامی در هفت پیکر، هفت داستان را به نمایش می‌گذارد و گویی نمایشنامه‌ای در هفت پرده روی صحنه می‌آورد. می‌توان گفت که نظامی این داستان را از اوزانها گرفته و در مقایسه با آنچه در تاریخ اتفاق افتاده به شعر کشیده است. او حتی در گفتگو و مناظره‌ی باربد و نکیسا، رسم و رسومات آشیقها یعنی "دئییشمه" را به تصویر کشیده است و گرنه در ادبیات و هنر فارسی، چنین صحنه‌ها و مراسمی هنوز هم وجود ندارد.

اما همین داستان در اثر شاعر بزرگ آذربایجان خواجه احمد مسعود با نام سهیل و نوبهار تبلور یافته است. خواجه احمد مسعود شاعر قرن هفتم هجری است که علاوه بر سهیل و نوبهار دارای دیوان غزلیات و مثنوی دیگری با نام فرهنگ نامه هم هست. او این مثنوی را در سال ۷۵۵ قمری در ۵۷۰۳ بیت سروده است. مجموع آثار او بالغ بر ۱۲۰۰۰ بیت است. داستان سهیل و نوبهار عینا همان داستان بهرام و گول خندان با تمامی زوایای شیرین، جنگها، رزمها و بزمهاست. هنر شاعر نیز بسیار ارزشمند و

زیباست. ۸. البته این داستان را برخی از ادیبان با دیده‌ی اسطوره‌ای نیز نگریسته‌اند و بهرام را ستاره‌ی عطارد دانسته‌اند که سمبل زیبایی و دلاوری در ادبیات مشرق زمین بشمار است. در مقاله‌ای دیگر بدان خواهیم پرداخت.

اما داستان دیگر آشیقهای زنگانی داستان شیوا و زیبای ورقا و گولشاست. این داستان را آشیق گلابعلی داوودی ۹ در ۸ کاست خوانده و در روزهای آینده شاهد نشر آن بصورت کتاب خواهیم بود.

داستان ورقا و گولشا نیز همچون داستانهای دیگر آذربایجانی است که دو برادر هلال و همام صاحب فرزندی نیستند و بعد از نذر و نیاز فراوان و سیر کردن گرسنگان و دستگیری از فقرا، صاحب دختر و پسری می‌شوند و از روز نخست نامزد بشمار می‌آیند. این دو بزرگ شده، اما در راه وصال آنان هزار ترفند، جنگ، دشمنی و اتفاقات مختلف می‌افتد و قهرمانان داستان ضمن بروز رشادتها و دلاوریها، عشق و محبت پاک نیز به عنوان بخشی از رفتارها و کردارهای آنان نشان داده می‌شود. در نهایت این دو بهم نمی‌رسند زیرا خوشبختی در جامعه‌ای که اساس آن بدبختی‌ها و بدکنشتی‌ها باشد امکان پذیر نیست. این داستان نیز پر از صحنه‌های رزم و بزم و سرشار از ترانه‌ها و موسیقی غمگین و سرشار از اندوه بوده و گاه لبریز از شادمانیها و رقص و ترانه است.

این داستان نیز در ادبیات مدون آذربایجان جایگاه خاصی دارد. خواجه یوسف مداح از شاعران قرن هفتم هجری و حکیم رکن‌الدین مسیحی شاعر قرن یازده هجری از سرایندگان اصلی این داستان هستند. خواجه مداح آنرا در ۱۷۰۰ بیت و حکیم مسیحی در بیش از ۵۰۰۰ بیت سروده‌اند. یادآوری این نکته را ضروری می‌دانم که این مثنوی به زبان فارسی نیز سروده شده است، اما مثنوی ترکی با مثنوی فارسی تفاوتهایی در فرم شعری دارد بدین صورت که گفتار قهرمانان و بیان هیجانان آنان از صورت مثنوی بیرون آمده و در قالب غزل و گاه قوشما ریخته می‌شود و لذا یک نواختی مثنوی که موجب

---

۸ این اثر توسط راقم این سطور به چاپ سپرده شده است و بزودی تقدیم ادب‌دوستان خواهد شد.  
 ۹ گلابعلی داوودی متولد سال ۱۳۲۰ در شهرستان خرمدره است. ایشان نیز یکی از آشیقهای بزرگ معاصر است که دهها داستان را روایت کرده، دهه‌ها در جشنواره‌های داخلی و خارجی از هنر آشیقی دفاع کرده و مورد تقدیرها قرار گرفته است.

۱۰ نسخه‌ی خطی این اثر در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران با شماره ۳۲۲۱ موجود است.

کسالت و کرختی می شده است از بین می رود و همراه با روحیه ی قهرمانان، خواننده نیز با تغییر حال و هوای مثنوی واجه می گردد. این شیوه، مخصوص مثنوی های آذربایجان است که چه بسا ملهم از هنر آشیقی باشد.

منابع:

- اسرافیل عباس اوف، آذربایجان آشیق‌لار و ائل شاعیرلری، باکی، ۵ جلد، ۱۹۶۸.
- پاشا افندیف، آذربایجان شفاهی خالق ادبیاتی، باکی، ۱۹۷۰.
- رشید رحمتی آرات، اسکی تورک شعری، آنکارا، ۱۹۸۶.
- محمد فؤاد کوپرولو، ساز شاعیرلری، استانبول، ۱۹۴۰.
- بهاء‌الدین اوگال، تورک کولتور تاریخینه گیریش، آنکارا، ۱۹۷۸.
- فاروق سومر، اوغوزلار، آنکارا، ۱۹۶۵.
- ح. صدیق، عاشیق‌لار، تهران، ۱۳۵۵.
- م. کریمی، منظومه های آذری، تهران، ۱۳۵۴.
- علی قافقازیالی، ایران تورکلری آشیق محیط‌لری، ارزروم، ۲۰۰۷.
- علی قافقازیالی، ایران تورک آشیق‌لاری و ملی کیملیک، ارزروم، ۲۰۰۷.
- م. کریمی، تاریخ ادبیات آذربایجان، ج ۳، تبریز، ۱۳۹۵.
- محمد فؤاد کوپرولو، صوفیان نخستین در ادبیات ترک، ترجمه: دکتر توفیق سبحانی، تهران، ۱۳۸۵.



آشيق شيرين حاقيندا اليميزده معلومات يوخدور؛ دانشيقلارا اساسلانديقدا، آشيق شيرين ۴۵۰ - ۵۰۰ ايل بوندان اؤنجه ياشايان بير شاعيردير. او، صفويه دؤورونده ياشاميش و شهرتي بو بؤلگه دن اوزاقلارا دا ياييلميش و اونو تانييرميشلار. اونون صاف و تميز ياشايشي، مهارتلي بير ساز و سؤز اوستاسي اولدوغو مشهوردور. سانكي بير چوخلو آشيقلاري دا تربيت ائتميش و بير چوخلو شهرلره سفر ائده رك باشقا آشيقلارلا دئيشيب، غالب گلמידير. آنجاق بوگونه قدر اونون شعرلري آشيقلارين ديلرينده ازبر اولورسا دا، يازيا آلينماميش و چاپ اولماميشدير.

شوبهه سيز الينيزده اولان داستاني دا آشيق شيريندن سونراكي آشيقلار سؤيله ييب و بئله ليكله اونون اثرلريني و هنريني ديرى ساخلاميشلار. جالب نوكته براسي دير كي باشقا اولكه لرين آراشديريجيلاري طرفيندن آشيق شيريني تانيتديرميشلار، تاسوفله اؤز وطنينده هله يازيا آلينماميشدير.

## زنگان آشیق ادبیاتینا بیر باخیش

هر بیر ملت و هر بیر ائللین اؤز موسیقی سی و اؤز ادبیاتی واردیر. بو موسیقی نین اؤز آلتلری و دستگاهلاری دا واردیر. بو موسیقی اونلارین ملی دوغولاری و ملی اوسطوره- لری ایله منقبه لری و داستانلاری اوغون اولراق، اونلارین خاطرهلرینی یوزایللر بویو دیری ساخالاییر. زنگان - آذربایجانین بیر بوجاغی ساییلاراق، خالق نین دا، اؤز موسیقی- سی و اؤز سازی واردیر. بوگون آشیق آدیلا تانینان صنعتکار اسکی زامانلاردا "اوزان" آدلانیردی و سازی نین آدی دا "قوپوز" دئییلیردی. اوگون آشیق کلمه سی "یاشیق" کلمه سیندن یارانمیش و ایشیق ایله ایرله ییجی - اوخویان معناسیندا اولموشدور. همین کلمه ایللر اؤتدوکجه عربجه ده اولان عشق و عاشق کلمه سیله قاریشیب و آشیقلا عشق و عاشیقلیقدان چوخ دانشدیلقلاری اوچون عاشیق معناسینی دا آلمیشلار.

ادبی آراشدیرمچیلار بو کلمه لر اوزه رینده درین اینجه له مه لر و آراشدیرمالار آپاراراق، بو سونوجا یاخینلاشمیشلار کی شامان، اوزان، گام، باقسی و آشیق سؤزجوکلری یوزایللر بویو بیر معنادا اولراق، زامان کتچدی کجه اؤزلرینه یئر آچمیشلار. شامان، ائلیج دینی رهبری اولراق، بوتون دینی توره نلری اجرا ائده ن بیر دین آدمی اولموش، عینی حالدا خسته لیکلری ائلدن اوزاقلادان بیر ماهر دو عاجی اولراق، خسته لری تداوی ائتمک اوچون دو عالارینی آهنگ و شعرلرله اوخویوب، اؤز ائتکی سینی بوراخیرمیش. گام اونو ایشینی داوام ائده رک، توره نلری ساده لشدیرمیش و باکسی - بوگونکو بخشی، یاری کاهن و یاری دین آدمی اولراق اولغان اوستو گوجلره مالیک دیرلر، یئنه ده خسته لیکلری درمان ائده رک ساز و سؤزلریله بو ایشه قاریشیرلار. اوزانلار دئدیگیمیز، اوغوزلار آراسیندا آدلانان شامان دان باشقا بیر کیمسه دئییلیر. او دا، اوغوزلاری آراسیندا همان گوره ولری عهده سینه آلمیشدیر. آنجاق بو آدلار ده ییشیگینده، معنالار همان معنادا دیرلار. آشیق کلمه سینه گلدی کده، آشیلاماق - ماهنی و نغمه اوخویان معناسینی داشییر. بوگون اوزبکلر نغمه و ماهنی یا آشیلا و یا آشولا دئییرلر.

### اوزانلار تاریخده

اوزانلار همیشه اللرینده قوپوز اولراق تانینمیشلار. ان اسکی الدهه ائدیلمن شکیللر و

مجسمه لرده بوگونكو پالتار اگننده و سينه سي اوستونده ساز كيمي بير قوپوز گورونمكده- دير. هابئله ۱۳۸۹ جو ايلده آراز چايي نين قيراغيندا خودافرين كورپوسو يانيندا بير قوپوز تاپيلدى. بو قوپوزون كاسانى توسباغا كاساسيندان اولموش و بوگون تبريزده "آذربايجان موزه سي" نده ساخلانيلير. گاما رئي ايله اونون دوزه لينمه تاريخى ۴۲۰۰ ايل بوندان اؤنجه يه عاييد اولدوغو دئييلير.

شامانلار ۵ جى عصره قدر تورك خالقلارى آراسيندا يوغ، سيغير، آغيت تورن لريني دولانديريب و قوپوز داوول ايله شعر اوخويوب، اؤز گوره ولريني يئرینه يئتيريرلر. تاريخين دئديگينه گوره، ۶ - ۷ جى يوزايللرده اوزان كلمه سي اوغوز ائللى آراسيندا اورتايا گلير، آنجاق همان شامان گوره ويني گوروب، داوول يئرینی قوپوز آلير و بير آز دا دینی ماهيت قازانير (اوسطوره دن اوزاقلاشير). ۵ - ۱۵ يوزايللرى آراسيندا اوزان ياراديجيلى اؤز يئرینی تاپير. ۱۴ جو يوزايلدن آشيق كلمه سي آشيلاماق - شعر قوشوب - ساز چالماق معنا سيندا ديبلره دوشور. هر صورتده، شامان اؤز يئرینه اوزانا و اوزان دا اؤز يئرینی آشيغا وئرميش اولور و زامان كئچمه سيله، اونون تكليف لرى ده يوموشانير و زامانلا آدديملايير. اوسطوره - دن دين و سونرا توپلوم ايستك لرينه اويغون حركت ائتمه يه دؤنور.

### تاريخى قايناقلار

اورتا آسادان توتوب اوروپانين شرق اؤلكه لرينه قدر اوزانان يئرلرده، تاريخى كتابلارين يازديقلارينا اساسلاناراق، اوزانلارين بويونلاريندا اولان تكليف لرinden بيرى، اوردو و قوشونو ساواشا تحريك و ترغيب ائتمه سي، اونلاردا ساواش روحيه سيني ديرى ساخلاماق سايليرميش. ايلك وظيفه لرى دینی مراسيملى يئرینه يئتيرمك، دوعا اوخوماق، خسته - ليكلرى ائلدن اوزاقلانديرماق و طبابت، سئحر، دولت ائلچى ليگيني ائتمك اولموشدور. آنجاق گئت - گنده سياسى تكليف لر ده بويونو دوشور. اوزانلار اسكى زامانلاردان اسلام ظهورونا قدر خاقانلارلا اوتوروب - دورمادا بيرگه اولموش و خاقان طرفيندن بير آغ ساققال، مشاور و سفير كيمي دولتلر آراسيندا سؤز آپاريب، سؤز گتيريرميشلر؛ عيني حالدا تاريخى حادثه لرى ساخلاماق و اونو روايت ائده رك ديرى ساخلاماق وظيفه سيني ده بويونلارينا آلميشلار. فارس شاعيرلىرى او جمله دن سنائی، عطار و باشقالارى دا بونا اشاره ائتميشلر و تورك شاعيرلىرى او جمله دن مولوى، يونس امره، خواجه مسعود و گلشهرى ده

بتله اوزانلارین اؤزلیک‌لرینه اشاره‌لر ائدی‌لر. تورانی‌لار یاخود Tonguzlar اونلارا "شامان" دئییلر. آلتای تورکلری ده اونلاری "گاما" دئیهرک، قیرقیزلار "باقسی" آدلاییلر. بوگون ایران تورکمنلری اونلارا "باخشی" دئییلر. بو ایرلاییحی و ماهنی – داستان اوخویان صنعتکارلار، تکجه چالیب – اوخوماق یوخ، بلکه طبابت، سحر، گوگ تانری سینا قوربانلیق وئرمک، اؤلولری یئر تاپشیرما (قویلاما مراسیمی)، شر قوه‌لری شرارتدن ساخلاماق، ائلین قهرمانلارینی یاد ائده‌رک همیشه اونلاری دیری ساخلاماق و اونلاردان داستانلار سؤیله‌مک اوزانلارین اساس تکلیفلریندن اولموش و بونلارین هر بیر اوجون ده اؤزل مراسیملری کئچیریلیمیشدیر. بوگون بو مراسیملر آز – چوخ هله ده آلتای تورکلر، قزاقلار و قیرقیزلار آراسیندا قالیر. اوزانلار بو مراسیملرده خلسه حالینا گله-رک شعر اوخویوب قوپوز چالارمیشلار. ان اسکی چاغلاردان بوگونوموزه قالان اثرلر واردیر: او جمله‌دن گؤزلیک بویاسی، پارلاق الهی نامه‌سی، بورکانچی یا حؤرمت و . . . و شاعیرلریندن آپرین چورتگین، سنقوسلی توتونگ، قول ترخان، پراتیایا، آسیق توتونگ، چیسویا توتونگ، و . . . باشقالارینی آد چکمک اولار. بو داستانلار و شعرلر قوپوز ایله اوخونوردو و بؤیوک اتکی‌لر بوراخیردی. آنجاق زامان کئچدی‌کجه بو موسیقی چین، هند و ایران تاثیرینی قبول ائده‌رک، یئرلی بیر اؤزلیک‌لره مالیک اولموش و اسلام قوینوندا تربیه اولوناراق اورتادان گئتمه‌میشدیر و اؤزونو حفظ ائتمیشدیر. شوبهه یوخدور کی اسکی زامانلاردا اوزانلارین اجتماعی دوروملاری داها آغیر و یوکسک اولموش و چتین تکلیفلر بویونلاریندا واریمیش. بو تکلیفلر گئت – گئده ده یشمیش، گاهدان بیر نئچه بؤلومه بؤلونموشدور.

دندیگیمیز کیمی اوزانلار ائلچی و سفیر کیمی دولت آراسیندا سؤز آپاریب، سؤز گئیرمیشلر و ملت‌لر آراسیندا دوستلوق، باریش ایشلرینی گؤررمیشلر. بیلدیگیمیز کیمی اسلامین ظهوروندا "دده قورقود" کیمی بؤیوک اوزان، اوغوزلارین شاهی اولان غازان خان ایله اسلام پیغمبری‌نین گؤروشونه گئدیر و اسلامی قبول ائده‌رک، اسلامی تورک ملتلی آراسیندا تبلیغ اوجون اذن آلیر. دده قورقود ایران اوزانلاریندان تانینیر. تورک منقبه‌لریندن ایکی مکتوب اثر الده واردیر.

بيري اويغور يازيسي ايله اولاراق اسكى بير ماهيت داشيبيير ۱۱ و اسلام ماهيتينده اولان ايلك اثر ده، غازان خان وزيرى رشيدالدين فضل اللهين جامع التواريخ كتابينا داخيل اولموشدور. بو و باشقا منقبه لر چوخ اسكى زامانلاردان قالميشدير. "ابوبكر عبدالله الدوادارى" مصر حاكيمي سلطان محمد قلاون يانيندا كاتب اولان بير يازيجى دير كى يتددينجى يوزايلده اؤز ده يرلى و اونملى اثرى اولان "ذرردالتيجان" كتابيندا توركلرين ايكي كتابيندان معلومات وثيرير. او، "اولوخان بيتيكيچى" و "اوغوزنامه" ادلى كتابلاردان دانيشير. اونون دنديگينه گؤره ايلك كتاب ساسانى شاهى انوشيروان وزيرى اولان بوذرجمهر كتابخاناسيندا ساخالنيليرميش و فارسىجايا چئوريلميش، سونرالار خوراساندا ساخالنيليرميش. همين كتاب ۲۱۱ قمرى ده هارون الرشيددين حكيم باشى سى اولان "جبرائيل ابن بختيشوع" طرفيندن عربجه يه چئوريلير. اونون دنديگينه اساسلاناتاراق بو نسخه ابومسلم خراسانى نين كتابخاناسيندا واريميش. پروفيسور كؤپرولو اؤز اثرى "تورك ادبياتيندا ايلك متصوف شاعيرلر" ده بئله آرتيرير: بو آدامين وئردىگى معلوماتا گؤره كتابين باش قهرمانلارى بونلاردير: اولوغ قراطاغ، آلتون خان، اول آى آتاجى، اولو آى آتاجى، تركلر يمىنى، منقبه ي چوجوق ارسلان و . . . اوغوزنامه نين اسلامى شكلى رشيدالدين كتابيندا و اويغور يازيسيلا دا موجوددور. ابن بطون ۸جى يوزايلده آلتون اوردودان گؤروش ائدهرك يازير: قوران اوخودوقدان سونرا عربجه و توركجه ملمع لر اوخونوردو۱۲.

سلجوقلار زامانيندا هله اوزانلار ائلين آغ ساققالى، چوخ بيله نى و توپلومون ليدئرى اولاراق، دولت و حكومت طرفيندن ده بير ائلچى كيمي باشقا اولكلر و دولتلره گؤنده ريلير و پياملارى آپاريب - گتيرير. اوزان بونلارلا برابر، داستانلار سؤيله مكدده ده داوام ائدير. تاريخه باخديقدا گؤرونور سلجوقلار دؤرونده بير چوخلو داستانلار وار؛ "باتتال نامه" داستانيندا بطل ادلى بير بهادري گؤروروك اسلام بايراغى آلتيندا - بيرينجى يوزايلده بنى اميه طرفيندن روم قوشونونا حمله گتيريب، اسلامى يايماق اوچون چاليشير. سونرا "سالتوق بوغراخان داستانى" اورتايا گلير. سالتوق بوغراخان قاراخانلى سولاله سى نين

11 Radloff: Das Kudatku Bilik, Tom 1, p X – XIII.

۱۲ سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱، ص ۳۶۵.

باشچیسی دیر و دۆردونجو یوزایلین ایلك یاریسیندا اسلاما یاردیمچی اولاراق، اسلام دینی نی تورکلر آراسیندا یاییر و تورکلری مسلمان ائدیر. هابئله بیر چوخلو داستانلار اسلام پیغمبری حاقیندا دئیلمکده دیر.

اوزانلارین صنعتینی آتیلا زامانیدان توتوب سلجوقلار، حتی صفویلر زامانینا قدر داوامینی گۆرمک اولور. اونلار آتیلانین اولومونده آغی اوخویوب، آتیلانین خاطره سینی دیری ساخلاماق اوچون داستانلار قوشورلار. بو دوروم سلجوقلار دۆرونده، حتا صفویلر دۆرونده ده اؤزونو گۆسته ریر. شاه اسماعیل قوشونونا روحیه بخش ائدن اوزانلار، چالدیران ساواشیندا فعالجاسینا اؤزلرینی گۆسته ریرلر و شاه اسماعیل اؤزو ده ساز الینده قوشونونو ساواشا چاغیریر.

اوزان – آشیق یارادیجیلیغی

اوزانلارین بوینوندا اولدوغو تکلیفلر اونلاردان بیر سیرا ایشلر، دوعا اوخوماق، دینی تۇرن لری یئرته یئتیرمک اوچون اوخودوقلاری شعرلر، اوردونو تحریک اتمک اوچون چالیب – اوخودوقلاری شعرلری یازماق، بونلار بۆیوک بیر خزینه ساییلیر. زامان – زامان چالیب – اوخوماق بیر بۆیوک خزینه یارادیر. آراشدیریجیلارین دندیکلرینه گۆره اسلامدان اؤنجه الده ائدیلن کتابلار و شعر اثرلری ائله همان شامانلار، اوزانلار و باکسی لارین یارادیجیلیقلاری اولموشدور. آپرین چورتگین، سنقوسسلی توتونگ، قول ترخان، پراتیایا، آسیق توتونگ، چیسویا توتونگ و باشقالاری همین شاعیرلر و یاخود اوزانلار اولموشلار و یازدیقلاری اثرلر: گۆزلیک بویاسی، پارلاق الهی نامه سی، بورکانچی یا حۆرمت و . . . اونلارین یارادیجیلیقلاری سایبلا بیلر. آنجاق زامان کتچدیکجه یوزلرجه دیوانلار، یوزلرجه داستانلار و زنگین ادبیات اوزانلار و آشیقلار یارادیجیلیغی ساییلیر. بوگون آشیق ادبیاتیمیز تکلیکده، باشقا ملت لرین بوتون ادبیاتلاریلا برابرلیک ائده بیلیر.

### اوزانلارین ایکی بۆلومه بۆلونمک لری

آنجاق سلجوقلار زامانیندا بۆیوک بیر دهیشیک اوز وئریر. اوزانلارین بیر سیراسی تکجه دینی تبلیغه مارق گۆسته ریب، درویشلره قاریشیرلار و بیر سیراسی اؤز ماهیتینی ساخلایاراق عینی داستانلار – حماسی و عشقی داستانلارلا داوام ائتدیریرلر. بئله لیکله اوزانلار ایکی بۆلومه بۆلوندولر: درویشلر و آشیقلار. بو گئدیش یئددینچی یوزایلده

تکمیلشدی.

سلجوقلار زمانیندا تصوف آیاق توتاراق، اوزانلارین بیر سیراسی متصوفلره قاتیلیر و داستانلاریندا پیغمبر و اماملارین قهرمانلیقلاریندان داستانلار سؤیله بیرلر. بونلارین شعرلری ده تصوف شعرلرینه قاریشیر. ادیبلریمیزین دئیگیینه گؤره حتا خواجه احمد یسوی کیمی بؤیوک بیر طریقت پیری اولاراق، دیوانیندا اوزانلارین شعرلریندن قاریشماسی مساله‌سی ده اورتایا گل‌مکده‌دیر. هابئله حکیم آتا و سلیمان آتاین شعر دیوانلارینا قاریشمیش بیر چوخلو اوزان شعرلری ده واردیر. بو شعرلرین محتواسی اسلام دینی و مذهبی قونولار اولموشدور. اونلار خانقاهدان خانقاها، قهوه خانادان قهوه خانایا گئدهرک شعرلری و داستانلاری خالق آراسیندا یاییرار ۱۳.

### آشیق داستانلاری و یازیلی ادبیات

آنجاق یئددینجی یوزایلده اوزانلارلا درویشلرین ایکی بؤلومه‌سی سونا چاتمیشدیر. بو زماندان باشلایاراق بیر سیرا داستانلار یازیلی ادبیاتیمیزدا گلیر. آشیق‌لار دیلینده گزن داستانلار او جمله‌دن بهرام و گول خندان، ورقا و گولشا و باشقالاری آذربایجان شاعیرلری‌نین دفترلرینده یازیلیر. آلماق اولماق یعنی قهرمانلیق، اوزانلار آراسیندا تارتیشمالی قونولار کیمی اورتایا گلیر. آلماق نئجه اولمالی و نه ائتمه‌لی اولدوغو بحث قونوسو اولور. شاعیرلر ده بو بحثلره قاتیلیرلار. او جمله‌دن آذربایجان شاعیری گلشهری – اؤزو یئددینجی یوزایلین تصوف اهلیندن اولاراق بو حاقدا بئله یازیر:

قانی اول کیم ایستر آلماق آدینی

آلماق ایستر دوشمندن دادینی.

دوشمنی قهر ائیلیوب باسماق دیلر

باشین آت یانینی آسماق دیلر.

گل‌سین ائشیتسین کی آلماق نئجه‌دیر

آلملارین سرمایه‌سی گؤر کیم نه‌دیر.

ائده‌ییم بیر – بیر سنه احوالینی

۱۳ پروف‌سور محمد فؤاد کویرلی، صوفیان نخستین در ادبیات ترک، ترجمه: دکتر توفیق سبحانی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸.

كيم بيله سين آلپ ارنلر حاليني . . .

آلپلارين ۹ اؤزليگيندن سؤز آچير: اورك محكمليگي، گوجلوقول، غيرت، ياخشى آت، اؤزل پالتار، ياي، ياخشى قيلينچ، سوكي (نيزه) و دوزگون يولداش. گؤرونديوو كيمي بهادر اولماق اوچون اوستده سايبلان نسنه لر گره كير. گلشهرى اؤزو ايلك اؤنجه اوزانلاردا اولموش و سونرا درويشلر جرگه سينه قاتيلان شخصيت لردندير. باشقا اوزان - درويش اولان شاعيرلر يميزده بو يوزايلده - يئددينجى يوزايلده چوخدور او جمله دن: شياط حمزه، بابا الياس، خواجه دهانى، دورسون فقيه، نقيب اوغلو، معرف لاذقى، بيگ بازرلى حسن، گلشهرى و بير نئچه باشقا شاعيرلر. بو ارادا خواجه احمد مسعود آذربايجان بؤيوك شاعيرى سهيل و نوبهار مثنوى سيني يازماقدا اوزان داستانلاريندان بهره آلميش و دئمك اولور كى بهرام و گول خندان آدلى اوزان داستانيني شعره چكميشدير.

### حق آشيقى

اوزانلار اوزون بير زمانلار دده قورقود، باتتال نامه و سالتوق بوغراخان كيمي قهرمانلىق و اسلام اؤيره تيم لريني بيرگه سؤيله يهرك، چوخلو دينى و بهادرلوق مراسيم لريني يئرینه گتيرميشلر. باشقا يؤندن بونو بيليريك كى طريقت اهلى سير و سلوك ائدهرك حضرت حق وصالينا ناي اولوب و دينى مقاملار الده ائدرميشلر. اونلار حتا اؤزلريندن كرامت لر ده گؤسته ريب و خالق کوتله لرى يانيندا حورمت قازانميشلار.

شوبه ه ائتميريك كى اوزانلا دا چاليشيرلار درويشلر كيمي خالق ايچينده درين حؤمت قازانيب و حق بارگاهينا يول تاپسينلار. اونا گؤره "حق آشيقى" كيمي تئرمينلر اورتايا گلير. يعنى بير سيرا آشيقلار حق آشيقى تانينيرلار. بونلار كيملردير؟ بيلديگيميز كيمي آشيق تعريفينده اونون پاك اوره يى، تميز گئديشى، دوزگون دولانيشى، دوغرو حركتى اولماليدير. آشيق اخلاق جهتيجه چوخ پاك و تميز اولماليدير، هامى نين حؤمتيني ساخلايان، بوتون انسانلارا اوره يى يانان، درده دهين بير انسان اولماليدير. او گر كدير هميشه حق ايله باطيل آراسيندا حقى مودافيعه ائده، ظلم و زوراكيليق قارشيندا دا يانا،



اؤزونو ساخالایب، هر دورومدا حقدن دفاع ائده. آشیق بئله بیر دورم الده ائتمک اوچون چتین اؤیره تیم گؤرمه لی، اؤزونو تمیزله ییب، خالق اعتمادینی الده ائتمک اوچون چالیشا، اؤز هنر و صنعتینده هامیدان یوخاری اولا، هر نه سوروشدوقدا بیلگیسی او قدر اولا کی جواب وئره بیله. حق یولوندا جانینی اسیرگه مه یه، ریاکارلارا توولانمایا، دوناین سویوق – ایستی سینی چکمیش و پیشمیش بیر انسان اولا؛ هابئله زامانین ایستکلرینه دوزگون جواب وئره بئله. بیر آشیق هر زاماندا تکجه بیر آشیق اولا بیلر او "حق آشیقی" آدلانماغا لایق دیر. حق آشیقی ائل اوغروندا، حق یولوندا جانان مایا قویوب، ظلم و ظلمکارلار قارشیندا سینه گریب، دوزلویو، دوغرولوغو و حقی دیرلتمه لی دیر. بئله بیر انسان گله جه یی ده یاخشی گؤره بیلر و خالقا یول گؤسته ره بیلر. تاسفلر اولسون کی هردن بیر جزوهرلر یاییلیب و حق آشیقی حاققیندا چوخ آچاق و گولورو جو سؤزلر اورتایا گلیر. او جمله دن یازیرلار بیر مجلسده قابلاما آلتیندا بیر شئی گیزله دیب، آشیقان ایسترلر او شئین آدینی دئسین. دئییه بیلرسه اونا حق آشیقی لقبینی وئرلر؟! بو حق آشیقی یوخ، گؤزو باغلیجیلیق دیر و صنعته خیانت ساییلیر. بیزیم حتا قهرمانلیق داستانلاریمیزدا، او جمله دن کوراوغلونون سون داستانیندا، کوراوغلونون قیرخالاریا قاتیلماسی و تصوف اهلینه قووشماسی اورتایا گلیر و کرامتله گؤسته ریر. آنجاق بئله بیر دوروم الده ائتمک اوچون چتین بیر سیر و سلوک، انسانلیق اوغروندا چالیشیق و بشریت یولوندا جانان کئچمک لازیم دیر و نه سئحر و گؤزو باغلاما. بئله حُققا بازلیقلارین یئری آشیقلیق دئییلدیر.

### آشیق ادبیاتی و یازیلی ادبیات

آشیقلا رلا یازیلی ادبیات آراسیندا اولان ایلگی لر داها محکم و داها گؤزل دیر. آشیقلا رین بیر چوخ داستانلاری یازیلی ادبیاتیمیزدا یئر سالیب و ان بؤیوک شاعیرلریمیز طرفیندن مکتوب ادبیاتیمیزا کئچمیشلر. بورادا زنگانین ایکی داستانیندان دانیشیب، باشقا داستانلاری گلن مقاله ره حواله ائدیریک.

زنگاندا بهرام و گول خندان داستانی ان سؤیملی و چوخ ائشیدیلن داستانلاردان دیر. بو داستان تکجه زنگان یوخ، بلکه بوتون آذربایجان آشیقلا ری طرفیندن سؤیله نیلیر. آدینی چکدیگیمیز داستانین حادثه لری زنگان، طارم و رودباردا کئچیر. ورقا و گولشا دا زنگان

آشیق‌لاری طرفیندن بئله بیر ماهیت قازانمیشدیر. بو ایکی داستان شاعیرلر طرفیندن مثنوی شکلینده یازیلیمیشدیر.

بهرام و گول خندان روایسی طارم اوستاد آشیق‌لاریندان اولان آشیق مسلم عسگری-دیر. اونون سؤیله‌دیگی اساسدا، بهمن شاه آذربایجانین شاه‌ی اولراق، بهرام آدیندا بیر اوغلو وار. بیر گون یوخویا دالراق، حضرت علی (ع) اونون یوخوسونا گلیب و گول خندان - چین فغفورونون قیزی - اونا بوت وئریر. گول خندان دا بئله بیر دوش گؤرور. بهرام یولا دوشوب یارا چاتماق اوچون حاضیرلاشیر و چتین بیر یولو قارشینا آلیر. یولدا ماه انورله تانیس اولور. او دا گؤزل آذربایجان قیزی‌دیر. آنجاق چوخ چتین‌لیکلر آرخادا قویوب، ساواشلار باشدان کئچیریر و نهایتده گول خندان‌ی اله گتیریر. بو داستان یئددینجی یوزایلده یاشایان آذربایجانین بؤیوک شاعیری "خواجه احمد مسعود" طرفیندن مثنوی فورماسیندا نظمه چکیلیمیشدیر. اونون سهیل و نوبهار ادلی مثنویسی همین آشیق‌لار داستان‌ی اساسیندا ۵۷۰۳ بیتده ۷۵۳ هجریده یازیلیمیشدیر. خواجه مسعود بو اثردن باشقا بیر دیوان صاحبی‌دیر و بیر باشقا مثنوی "فرهنگ نامه" آدیندا. جمعا اونون یارادیجیلیغی ۱۲۰۰۰ بیتدن آرتیق اولور.

بو داستانین چئشیدلی واریانتلاری واردیر. بیر سیرا ادیلرین گؤروشویله، بهرام بو داستانین قهرمانی همان بهرام گور ساسانی‌دیر. شاهلیق تاجینی الدن وئرهرک ایراندان قاقمیش و آذربایجاندا حکومت باشیندا اولان گوگ تورکلرین تابعی اولان خزرلره سیغینیر. فارس‌لار آراسیندا دا بهرام گور داستان‌ی واردیر. اورادا بهرام شاهلیق تاجینی ایکی آسلان آراسیندا گؤتورمه‌لی اولور و بهرام قهرمانلیقا ایکی آسلانی دا اؤلدوروب، تاجی باشینا قویور. آنجاق آذربایجان آشیق داستانیندا ایکی سئوگیلی آراسیندان - گول خندان و ماه انور - بیرینی سئچمکله شاهلیقا چاتیر. جالب نوکته بوراسی‌دیر کی گول خندان بهرامدان ایستیر شاهلیق تاجینی اله ائدیپ، سونرا اونونلا توی ائده بیلر. بو داستان‌ی بیز نظامی گنجوی‌نین هفت پیکر اثرینده ده گؤروروک. بو اثرده هر زامان بهرام عیش و عشرته باشی قاتیشیر، دوشمن هجوم ائده‌رک ایرانی تالاییر. اورادا دا سئوگی، بهرامی منجلابدان قورتاریر. دئمک اولور کی نظامی بو داستان‌ی خالق شاعیرلری اولان آشیق‌لاردان آلمیشدیر. نظامی اثرینده باربد ایله نکیسانین مناظره ری ده عینی صورته،

آذربایجان آشیق‌لاری نین دئیشمه‌لریندن آلینمیش سایلیبیر. بوتون اثرلرده، داستان رزم ایله بزم اکلنجه‌لری ایله کئچیرمکده‌دیر. آنجاق بیر باشقا گۆروشله بو داستانی یوزلایان دا واردیر. اونلار اوسطوره‌وی باخیشلا باخاراق، بهرامی همان عطارد اولدوزو بیلیب و شرق دونیاسیندا گۆزلیک و ایگیدلیک سیمبولی کیمی ساییرلار.

### ورقا ایله گولشا

ایکینجی زنگان آشیق داستانلاریندان ورقا و گولشانی گنیرمک اولار. بو داستانی خرمدره اوستاد آشیق‌لاریندان اولان "آشیق گلابعلی داوودی" دیرلر. بو داستان بو تئزلیکده بیر کتاب کیمی یایلمادادیر. بو داستان، آذربایجانین باشقا داستانلاری کیمی ایکی قارداشین اوشاق‌لاری نین داستانی‌دیر. هلال و هما اوشاق صاحبی اولمامیشلار. نه قدر ندز و نیاز ائدیپ، یوخسوللاری یئدیردیپ، لوتلری گنیندیریب، خالقا یاخشیلقلار ائدیپ و نه‌یته بیری اوغلان و بیری قیز صاحبی اولورلار. ورقا و گولشا بو ایکی سئوگی‌لی‌لر اولورلار. اونلار دا عؤمور بویو چتینلیک‌لرله اوز – اوزه گلیب و ماجرالار باشندان کئچیریرلر. آنجاق بو داستاندا بیر چوخلو ساواشلار، رزم‌لر و بزم‌لر باش وئیر، آنجاق عاشق و معشوق بیر – بیرینه چاتما‌ییرلار، چونکی بیر بدبخت اولان توپلومدا هئچ بیر کیمسه آرزوسونا چاتا بیلمز!

بو داستاندا رزم ایله بزم صحنه‌لری دولودور و آشیق باچاریر سازی و سۆزو ایله دینله-ییجی و تاماشاچیلاری راضی ساخلاسین. بو داستان دا، آذربایجان یازیلی ادبیاتیندا اؤنملی یئر آلمیشدیر. ایکی بؤیوک شاعیریمیز خواجه یوسف مداح یئددینجی یوزایلده و حکیم رکن الدین مسیحی اون بیرینجی یوز ایله بو اثری قلمه آلمیشلار. خواجه مداح ۱۷۰۰ بیتده و حکیم مسیحی ۵۰۰۰ بیتده مثنوی فورماسیندا یازیب بیتیرمیشلر. بورادا تورک مثنوی‌سی نین اؤزلیک‌لرینه اشاره اتمک لازیمدیر. آذربایجان و تورک ادبیاتیندا، مثنوی داستانا مخصوص اولاراق، قهرمانلارین دانیشیق‌لاری و گاهدان هیجان و اضطراب‌لاری غزل فورماسیندا و گاهدان باشقا آذربایجان شعر فورمالاریندا گلیر. بو عامل اثرین الوان بویالی آهنگ‌لر و مختلف وزنلردن ده یارانماسینا سبب اولور و اوخوجودا کسالت یارانما‌ییر. بو شعر و آهنگ فورمالاری، قهرمانلارین احوال – روحیه‌سینه اوغون

سئچیلیر. باشقا داستانلاری، گلن مقاله لرده وئره جه بیک. انشاء الله.  
قاینقلار:

- اسرافیل عباس اوف، آذربایجان آشیقلا و ائل شاعیرلری، باکی، ۵ جلد، ۱۹۶۸.  
پاشا افندیف، آذربایجان شفاهی خالق ادبیاتی، باکی، ۱۹۷۰.  
رشید رحمتی آرات، اسکی تورک شعری، آنکارا، ۱۹۸۶.  
محمد فؤاد کؤپرولو، ساز شاعیرلری، استانبول، ۱۹۴۰.  
بهاء الدین اوغال، تورک کولتور تاریخینه گیریش، آنکارا، ۱۹۷۸.  
فاروق سومر، اوغوزلار، آنکارا، ۱۹۶۵.  
ح. صدیق، عاشیقلا، تهران، ۱۳۵۵.  
م. کریمی، منظومه های آذری، تهران، ۱۳۵۴.  
علی قافقازیالی، ایران تورکلری آشیق محیطلری، ارزروم، ۲۰۰۷.  
علی قافقازیالی، ایران تورک آشیقلا و ملی کیملیک، ارزروم، ۲۰۰۷.



### آشيق التفات داوودی

ابهـر – خرم دره ده آذربايجانين بر بۇلگه سى كيمي بۇيوك آشيقلار اؤز اتگينده بئجرتميش و ده يرلى اثرلر آشيق ادبياتى و موسيقيموزه تقديم اتميشدير. آشيق التفات، آذربايجانين شهرتلى آشيغى اولان و دده لقبىنى قازانان آشيق گلابعلى داوودى نين اوغلودور. آشيق التفات ۱۳۴۶ جى ايلينده آنادان اولموش و اون ياشلاريندان آشيقلىق هنرينه مارق بسله ييب، آتاسيندان بو هنرى اؤيره نهرک، آشيقلىق ميدانينا گيرميشدير. التفات، آتاسيندان علاوه، آشيق قلى جوادى نين شاگردى اولموش و اونون كوره كنى دير. بونلاردان علاوه، آشيق التفات باشقا اوستاد آشيقلاردان دا ايلهام آلميش و اؤز هنرىنى گئيشلنديرمه يه چالشميشدير. آشيق عبدالعلى نورى، آشيق حسن اسكندرى، آشيق يداله عيوض پور، آشيق حسين نامورى، آشيق حسين تبريزى و باشقالارى.

آشيق التفات، ۱۳۸۷ جى ايلدن راديو زنگاندا وئرلش حاضيرلاميش و ۱۳۹۰ ايليندن تلويزيوندا "اڭل سؤزو" آديندا برنامده بير ايفاجى كيمي چالشماددير. آشيق التفات، مختلف كنسرتلر قوروب و باشاريلارلا اؤز هنرىنى گؤسترميشدير. او آشيق موسيقي سيندن

علاوه، موغام موسیقی سینه ده احاطه لی بیر آشیق دیر و اؤز کنسرتلرینده آشیقلیقدان علاوه، آذربایجان موغام موسیقی سینی ده ایفا ائدیر. آشیق التفات اؤزو ان چوخ ناغیل بیلن آشیقلاردان سایلییر. بوگون ناغیللارین مختلف واریانتلاری اوزه رینده چالی شیر.

آشیق شیرین و بیرچک خانیم داستانی ایلك دؤنه آشیق گلابعلی دئمیشسه ده، بیز بورادا آشیق التفات دیلیندن و اؤز یازیسیندان آلمیشیق. آنا حؤرمینی ساخلاماق و دده آشیق حؤرمینی ساخلایاق دئیهرک، آشیق گلابعلی نین یاشاییشینا دا اؤته ری بیر باخیشیم اولاراق، باشقا داستانلاریمیزی اونون دیلی ایله چاپا حاضیرلایاجاییق.

## آشيق گلابعلی داوودی



زنگان آشيقلايرندان سۆز اچاندا بوگون دده آشيق سايبلان گلابعلی داوودی آدی ايلک دفعه نظره گلير. آشيق گلابعلی ۱۳۱۹جو ایلده خرمدره نین ارهان کندینده آنادان اولور. اونون آتاسی، حتا آتاسی دا ساز و سۆز ايله غریبه اولمامیشلار. آتاسی و باباسی دا آشيقلیق صنعتینه وارد اولان اولموشلار. او آتاسی نین لای لاریلا موسیقی و آنادیلی نین گۆزه للیگینی دویموشدور. یئنی یئتمه چاغلاریندا سسی نین گۆزه للیگینه خاطر، ائل – اوبا طرفیندن اوخوماغا تشویق اولوردو. اوشاقلیقدان درین استعدادینا گۆزه یئرلی ماهنی لاری اؤیره نمیش و اوخویارمیش. ۱۷ یاشینا چاتارکن اوستاد آشيقلارین یانیندا: سلطانعلی نوروزی، اوستاد میرزا علی سلیمانی، آشيق محمد آقا سلیمانی و باشقالاری نین یانیندا شاگیرلیک اندیب و موسیقی اؤیره نمیشدیر. اوستادلاری گلابعلی ده اولان استعدادی گۆروب، اونا آشيقلاری صنعتی نین بوتون بوجاقلارینی اؤیرتمه یه چالیشیرلار. آز بیر زماندا گلابعلی بیر اوستاد آشيقا چئوریلیر. گۆزل سسی ايله ماهنی اوخوماقدا، ساز چالماقدا ماهیر بیر آشيق اولور. داستان سؤیله مه یی ده اؤیره نه رک توی – دوگونلرده چالیب – اوخویور و ائللریمیزه شنلیک آپاریب، مجلسلر دولانديریر.

آشیق گلابعلی انقلابدان اؤنجه دن ایران تلویزیونوندا اؤز هنریله چیخیش ائدیب و تاماشاچیلارین، ائشیدن لرین ماراغینی قازانیر. او، بیر چوخلو کنسرتلر وئریر و اؤلکه دن ائشیکده او جمله دن آذربایجان جمهوروسوندا، تورکیه ده و باشقا اؤلکه لردن ائلمیزین هنر و ادبیاتینی گؤسته ره رک، اؤز مدنیت و فرهنگیندن مودافیعه ائدیر. ایش اورایا چاتیر کی دده لقبی نی ده قازانیر.



## آشيق شيرين و بيرچك خانيم

سيزه اسكى زامانلاردان دئيهجهيم. قديم داستان سؤيلهين لر، ائلين آغ ساققال - لارى، ائلجه بيلن، سازلى - سؤزلو آشيقلار، تانربيا اينانانلار، انسان اولوب - انسانليغا يانانلار بئله روايت ائليوبلر:

دماوند اؤلكه سينده، بير قيز واريدى كى آشيق بيرچك خانيم آدلانيردى. او اؤزونه گؤره ياخشى سؤز بيلن و شاعير آشيق ايدى. چوخ گؤزهل، عئينى حالدا مال - دولتلى و همان قدر ده ائل - طايفا ايچينده سؤيملى و محبوب ايدى. او زامانين اقتضاسينا، عادتلرينه و اؤنملرينه گؤره بو قيز اؤزونه حريف آختاريردى؛ هانسى آشيق منه جواب وئرسه و سوروشدوغوم سؤزلرين معناسيني بيلسه، من اونا اره گندهجهيم. بونا گؤره ده بير چوخلو جوانلار بير سيرا اونون گؤزهلليگينه ووروب، بعضى سى اونون مال - دولتينه آللائيپ اونون حضورونا چاتيب عرض اديدن سونرا ائلچى ليك ائديرلر. ايش اوزاناراق، بيرچك خانيم بونا قرار قويور كى هر آشيق اونو باغلايا بيلمهدى اونو دوستاق ائتسين.

نريمان بيگ آدى بير وارلى - كارلى كيشى وار ايدى كى بيرچك خانيم وورولموشدو؛ اما اؤزو نه آشيق ايدى، نه شاعير. هر ياندا ياخشى آشيق واريدى گتيرميشدى كى بلكه بيرچك خانيم فايق اولو و قرارى بو ايدى كى من گتيرهن آشيق سنين سؤزلرين جاوابين وئره بيلسه، سن منه گله سن. بيرچك خانيم دا قبول ائلميشدى كى اولسون، اگر منيم برابر يمدە دايانسالار و هر نه سوروشدوم جاواب وئره لر من سنيله ازدواج ائله ييب و عؤمور باشا وئرهجهيم. اما اگر باشارماسالار

اونلاری دوستاق ائده جم. آشیق‌لارین سانی قیرخا یئتیشسه هامیسینی اؤلدوره‌جه-یم، تا بیر ده سنین کیمی آدم‌لارا عبرت اولدو...

مخلص کلام، .. آشیق‌لار نریمان بین دستورو ایله بیرچک خانیمین یانینا گلیب ساز و سؤزله دئییشیب، آنجاق اودوزوردولار و بیرچک خانیمین اینده اسیر قالب و زندانی اولوردولار. بونلارین سای اوتوز دوققوزا یئتیشدی.

بئله‌لیکله بیرچک خانیم ۳۹ آشیق - اؤزونه مدعی و ساز - سؤز مالیکی اولان آشیقی دوستاقلامیشدی. بیرچک خانیم اعلان ائتدی بیر آشیق تاپیلا سؤز لیمه جاواب وئره بیلدی بونلارین هامیسینی آزاد ائده‌جه‌یم، اما جاواب وئره بیللمه‌سه، بو ۳۹ آشیقین هامیسینی اؤلدوره‌جه‌یم. داها هئج آشیق قورخوسوندان میدانا گله بیلیردی. نریمان بی فیکره قالمیشدی گؤره‌سن نئینه‌ییم؟ - بو آشیق‌لار بیرچک خانیمین الیندن قورتارسینلار.

بونا گؤره بیرچک خانیم پیغام وئیردی کی میدانیما آشیق یوللا. نریمان بی ده بیر نامه یازدی کی: بیرچک خانیم، دوغروسو سن ده بیلیرسن، من آشیق دئییلیم، آنجاق بیر آشیق گتیرسم کی سنی باغلاسن سؤزون اوستونده دایاناجاقسان یا یوخ؟

بیرچک خانیم نریمان بین شرطینی قبول ائله‌دی.

اما نریمانا خبر وئردیلر خرمدره اؤلکه‌سینده بیر آدلیم و قوجا آشیق واردیر کی چوخ سینه‌سی دولو، سازلی - سؤزلو آشیق‌دی. آدی دا آشیق شیرین‌دی. او تمام حق آشیقی آدلانان خصوصیتی واردی. هم سؤزده ائل ایچینده دیلدرده‌دی و هم ائله بیر آشیق‌دی کی باجارا بیلر بیرچک خانیمین قنشه رینده چبخیشسین. نریمان بی بیر مکتوب یازیب وئردی اؤز قولونون اینه و دئدی: نئجه اولورسا آشیق شیرینی گتیرسین دماونده.

نریمانین ائلچیسى - چاپاری نامه اللرینده یوللاری آیاق آلتینا آلیب اوزون یوللاری کئچیب خرمدره‌یه گلیرلر. اوندان - بوندان آشیق شیرین نشانینی آلیب،

نچھ گوندن سونرا گليب آشيق شيرين خدمتینه چاتير. آنجاق او زامان چاتميشدى كى آشيق شيرين اؤز باجيسى اوغلو بايرام ايله كربلايا عزمينى جزم ائتميشديلر. آشيق شيرين مکتوبو اوخويور، گورور اگر بيرچك خانيملا دئيشمه سه ۳۹ آشيقين خانى خطردهدى. بيرده كى اگر دئيشمه يه گئتمه سه سازى يئر قويوب آشيقليق - دان ال چكمله لي دير. باجيسى اوغونو چاغيريب دئدى: بايرام بالا، منيم بونوما دئين گلدی. بير خانيم ۳۹ آشيقى ساليب بنده. گر ك دماونده گئديب بيرچك خانيم آديندا بير آشيقلا دئيشه م و اونو باغلايام بلكه ۳۰ آشيقين جانيني قورتارام. سونرا كربلا سهل دی مكه يه ده گئده ريك. ايندى سفرمميز دماونده طرف اولاجاق. بايرام دئير: دايى جان، مگر بيز او آشيقلارين جانينى ضامن ييك. بيزه نه مربوطدى اونلار سؤزده آز گتيريلر و بير خانيم اينده اسپر اولوبلار؟

آشيق شيرين مهربانليقلا بايراما دئير كى بالا هامى آشيق اولوب ساز - سؤز اوستاسى اولماز كى . . . من اونلارين نجاتينا گئتمه سم ائله بيل كى اونلارا مديون قالارام. آشيقليق رسمى بله دى. . . . آشيق شيرين بونو دئيب اؤز خانيمينا اوز دوتوب دئير: خانيم، داها وقت يوخ، يول يوكونو باغلا كى بول اوزاقدى و خطر ده چوخدى. . .

خانيم يول بوچاسيني باغلايب آشيق شيرين ايله بايرامى يولا ساليير. داللاريجدا سو سپير.

آشيق شيرين، بايرام و قاصد ايله يولا دوشدولر دماونده طرف. گليب ابهر اوستونده بير كند وارايدى شنات يا چنات آديندا. اورادا بير امامزادا مقبره سى وارايدى امامزادا اسماعيل آديندا. سانكى آشيق شيرين جانيندا باشقا بير تب و تاب واردى. هيچانلى دى. چوخ تتر ايستير دماونده چاتيب آشيقلارين جانيني قورتارسين. آشيق شيرين بايراما اوز چئويريب دئير: بايرام بالا، بو سفرمميز باشقا سفرلردن فرقلى دى. آشيق شيرين جانينا بير قورخو اوتوروب. بايراما اوز چئويريب دئير: بايرام بالا، دوزونو ايسته سن ائله بيل قورخو جانيم دوشوب. قورخوم بودور بو

آشیق‌لارا بیر ایش گۆره بیلیمه‌یم، شرمنده اولام . . .  
 بایرام فیکره دالیر و دئییر: من کی دئدیم بونو قبول ائلمه‌مه؛ دایی جان دوغرودان  
 باجارماسان و باغلانسان . . . اوندا نه ائده‌ک . . . گنج اولمامیشدان گل قاییداق . . .  
 آشیق شیرین امامزادایا داخیل اولور. همان یئرده بیر عالیم قرآن درسی وئریدی  
 و آشیق شیرین ایله چوخلو دوستلوغو واریدی. آشیق شیرین ایچهری گیریب کئف  
 – حال – احوال ائدی؛ عالیم ده آشیقین آیاغینا دوروب، ادب – ارکان ایله ادب  
 رسمینی یئرینه یئتیریر. سونرا نه ائدیگینی سوروشور. آشیق شیرین ده قضیه‌نی  
 آچیقلایب عالیمه دئدی: بیر اوزاق سفریم وار، بیر استخاره ائله گوروم نجه اولور،  
 صلاح‌دیر یا یوخ؟

عالیم دئدی: سو اولان یئرده تیمم جایز دئییل. سن اؤزوز الله ادامیسان. اؤزون  
 بونلاری یاخشی بیلرسن.

عالیم استخاره‌نی خئیر و برکتلی گوردو، اما بیر آز چتینلیک بو سفرده وار. قرآنی  
 وئردی آشیق شیرینه دئدی: قارداش باخ اؤز استخاره‌ن، گور. آشیق قرآنی زیارت  
 ائدیب سفرین خوش گوروب؛ اورهیی دولو بئله سؤیله‌دی:

بوگون بیر مجتهد گوردوم،

کلام الله الینده‌دی

اوخوردو سوره‌ی یاسین،

یسبحُ الله دیلینده‌دی.

واردی یارانمیش حکمتی،

چکرم حقدن میتی،

سگگیز قاپیلی جنتین

کیلیدی شاه الینده‌دی.

هر كس قابيل بير انساندى،  
خطاسينا پشيماندى  
رَبِّم رحيم و رحماندى  
گنچر گناه، ايندهدى.

دونيادا عدالت قوران،  
قدرتيني حقندن آلان،  
گونو اختردن دؤندهن  
شمس ايله ماه ايندهدى.

قيل نامازين، ذكرين ائيله،  
بير الله ين شكرين ائيله،  
شيرين گنتمك فيكرين ائيله،  
گلمك الله ايندهدى.

عالم دئير: آشيق سنه بير استخاره ده توتورام. بو استخاره گؤرسهدير كى يولون  
چتيندى، چتين ليكلر گؤره جكسن، اما آخرينى خئيردى. قارانليقلار  
ايشيقلانا جاقدى.

آشيق شيرين دئدى: الله ها شوكورلر اولسون. مهم بودى ايشين آخيري خئير  
اولسون. گونلر نئجه اولسا گنچه جك.

سونرا عالم، آشيق شيرينه آفرين دئيب، اونا اوغورلو گونلر و خوش سفر  
آرزىلادى. آشيق شيرين يولداشلار يولا دوشدولر. گل ها گل، بير كنده  
يئتيشديلر. گؤردولر بير كيشى دونيادان كؤچوب. اونا مئيت نامازى قيليلر. آشيق  
ساز چيگننده دايندى نامازا.

موللا ناراحات اولدو. آشيق سن صفدن چيخ ائشيگه. بو يازيق مئيتن آخت –

عاقبتین خارابلاما. اونون اؤز عملی اؤزونه نجات وئرهجک، نه سنین و نه منیم نامازیم. بونلارین بحث و قیل و قاللاری، سسلری اوجالدی. بیر عدّه آشیق طرف اولدولار، بیر عدّه ماللایا طرف چیخدیلار. آشیق دئدی: ماللا سن بو مئیتدن

سوروش کی او دونیا یا بیر چراغ آپاریب یا یوخ؟

ماللا دئدی: آی جاماعات اولو ده مگر دانشار؟

آشیق شیرین دئدی: بلی اللهین مئیتین دانشار.

سازینی چیگنیندن ائندیریب، سازا بیر زخمه ووردو. ماللا اعتراض ائلهدی کی بابا بو اولونو جهنمه گۆنده ریرسن. آی جاماعات، بو یازیق نئینه ییب کی گرهک آشیق سازیلان اونو دفن ائله سین؟

آشیق شیرین دئدی: قیل – ماقال سالما، ایشین آخیرینه باخ. سازین باسدی باغرینا، بوله اوخودو:

آدم اوغلو، خبرین یوخ،

گۆر باشیوا نه لر گلیر.

اولنده باشین اوستونه،

یاد و بیگانه لر گلیر.

آدام اوغلو یولدان ایراق،

داش یاریلدی چیخدی بوراق

قیامته گۆندر چراق،

یامان قارانقولار گلیر.

شیرین دئیر دور یئریندن،

سؤیله منه عملیندن،

شاه مردان کرمیندن،

بيلمه سواي نهلر گلير.

سۆزلرين اوخويا - اوخويا اوز دوتدو الله درگاهينا. الهى، منى بو جاماعاتين يانيندا شرمنده ائلهمه! مئيت بير آسقىريب دوردو، اوتوردو. جاماعات حيران قالديلار و مئيت شيرين ايله بير نچه كلمه دانيشيب و باشين يئنه قويدو يئر.

آشيق شيرينين دوغاسى الله يانيندا قبول اولدو. اوره يى خوش اولدو. اوز دوتدو جاماعاتا، دئدى: الله نه ايستهسه، او اولاجاق. بير ده هر كس اوز عملين نتيجه- سين گۆرهجك.

موللا حيرته قالدى. دئدى: من ائشيتيمشديم دئيرديلر حق آشيغى وار، اما بوگون گۆزومون گۆزدوم.

آشيق شيرين سازى باسدى باغرينا، بئله دئدى:

آدم اوغلو خبرين يوخ  
فلك باغرين ازه جاقدى  
ايكى ملك ساغ - سولوندا  
گناه - ثواب يازاجاقدى.

سفره سالان سفره سالين  
دوعا قيلان دوعا قيلين  
آدم اوغلو رستم اولسون  
فلك باغرين ازه جكدى.

آدم اوغلو ايشين ياشدى،  
آستين تورپاق، اوستون داشدى،  
نكرين ايكى قارداشدى  
سندن سوال ائدهجكدى.

آدم اوغلو اصلين مفرق،  
باد اسر توکولور ياپراق  
آياق آلتدا قالان توپراق  
گليب سردن آشاجاقدى.

آدم اوغلو مالين چوخدو  
ماليوين وفاسى يوخدو  
كۆرپو بيردى، كاروان چوخدو،  
گليب بير - بير گنجه جكدى.

شيرين دئبير: دور يئرinden،  
سؤيله منه عمليندن  
اونلو گۆرلرى سريندن  
انديربان چالاجاقدى.

آشيق شيرينه آفرين، آفرين اوستونه گلير. هاميدان ايدين آلدى، يولونا باشلادى.  
گل ها گل، بير يئره يئتيشديلر. آشيق دئدى: بوردا بير آز استراحت ائده يين، ناماز  
قيلاق، يولا دوشاق. آى بالا، بايرام، گۆر بو آرادا بير چشمه، بولاق تاپارسان دسته  
ناماز آلاق؟

بايرام چيخيب سريه، گۆردو بير چشمه وار. اونون كناريندا بير دسته قيز وار.  
قايديب آشيق شيرينين يانينا: داى جان، او سازى وئر منه، ساليم چيگنيمه، گئديم  
سو گتيريم - دئدى.

- آى بالا، ساز نيه سالاسان چيگنويه؟ مَشكى سال.  
- يوخ داى جان، ايستيرم بير وقاريلن بو خلوت يئرده گزيم كى صباح



آشيق اولدوم يئريشيمي، بلكه ده ساز چيگنيمده، آت اوستونده اولماغي  
اؤيره نيم.

آشيق شيرين سازي وئردى. بايرام ياواش - ياواش گلير چشمه باشينا. اما او  
قيزلار كيمدى؟ همان بيرچك خانيمين يولداشلاري، كنيزلري، بيرچك خانيم اؤزو  
ده اونلارين آراسيندا.

گۆردولر بير جاوان آشيق گلير اما چوخ قوددا گۆرسه نير. بيرچك خانيم  
ائشيتيميشدى كي نريمان بي يوللو يوب آشيق شيرينين داليسي جا. دئدى بلكه آشيق  
شيرين دى گلير. اما ياخي نا گلديكده گورور، يوخ، گلن بير جاوان آشيق دى. بيلدى  
كى بو اوغلان همان آدى بللى غده بايرام دى. دئدى: قيزلار، من بو آشيغي تانيديم.  
ايستيرم نئچه سؤز بوندان سوروشام:

- آي آشيق، اولار بير آز ساز چالاسان؟

بايرام بيلر - بيلمز بير نئچه زخمه سازا ووردو. قيز گوردو بونون يوكو ساماندى.  
دئدى:

- آي آشيق، بير نئچه كلمه اوخو گوره ك.

بايرام بير آغيز اوخودو، اما قيز گوردو بونون اوخوماغيندان دا كار يوخ، فقط  
قيزلاري توشلاييب، گوزو قيزلاردادى. بيرچك خانيم دئدى:

- قيزلار، منيم سازيمي وئرين. گوره ك نه سوروشور:

- سازي سينه سينده آي جاوان آشيق،

- منه سؤيله گوروم هاردان گليرسن؟

- ازل نقاش چكيب عكسين ياراشيق،

- منه سؤيله گوروم هاردان گليرسن؟

بايرام دئدى: خانيم من ابهر، خرمدره نين آدلى - سانلى آشيقي يام. خرمدره دن  
گليرم. دماونده گنديرم.

بيرچك خانيم دئدى:

چوخ گۆزل. سايلان دئيه بيلرسن؟ خرمدره نين احوالاتين؟ اورادا نه خبر وار؟ آدلى  
 — سانلى انسانلارى كيمدى؟ سوغاتى نه دى؟  
 بايرام دئدى:

خانيم اونلارا ساز لازيم دئييل. خرمدره ده ياخشى قند، چاي، اريك، آلچا، اكينچى -  
 ليك اولار.

بيرچك خانيم آلدى، گۆرهك ساز ايلن نه دئيير:

من نئينيرم ابهرين قندى - چايينى،

ايندى قيزلار وئرر حقى سايينى.

ئئينه ميسن اوستاديوى داىيوى

آشيق، منه سؤيله هاردان گليرسن؟

بايرام گوردو ائله بيل بو قيز خبرداردى. اؤزوندن سونرا دا بير يولداشلارى واردى.

بايرام آتين اوستونده ائله مشترى گوزويله قيرا باخير. دئدى:

- خانيم، من اؤزوم ائله اوستادام. سن كيمن دانيشيرسان؟ منيم آيرى

يولداشيم يوخدو. اؤزوم ده ائولنميشم.

قيز بئله گورنده دئدى:

- منيم بير سؤزوم ده وار. اونو اوخويوم، سونرا سنين حق حسايين وئريم.

بيرچك دئير بوگون آخير زاماندير،

مئه گلييدى، دالداردا توفاندى.

ال آپارديم گوردوم يوكون ساماندير،

دئيرسن گوهره، كاندان گليرسن.

بايرام دئدى: خانيم داغلاردا مه يوخدو؛ منيم ده يوكوم يوخدور كى سامانيم اولار.

ائله بيل عقليين چاشيب!

دئدى: آشيق آتيدان گل آشاغى، سو دولدور.

بايرام آتيدان ائيب سو دولدورا، قيزلار بايرامى تاپداديلار. بايرام آتيليب آتئين

اوستونه آرادان چيخدى. اما آتين اوسارى اليندن چيخيب، آت بايرامى آپارير آشيق شيرين اولان يئره. آتين تويله ميخى هر دن ده بير بايرامين توكلرينه، داد وورور كى: بابا وورمايين . . .

آشيق شيرين گوردو بايرام گلدى؛ اما يامان حالدا. دئدى: بالا، بير كس سنه ووران يوخدور. تويله ميخى دير ده بير سنين كوره ييوه . . .

بايرام جريانى گيزلتدى. اما آشيق شيرين باشا دوشدو كى بورادا بير ايش وار. گلدى چيخدى تپه نين اوستونه. قيزلارى گوردو. ياواش - ياواش گلدى چشمه باشينا. قيزلار گوردولر بير آغ ساققال آشيق چوخ ياراشيقلى و ادبلى انسان. هاميسى سلام وئريب؛ بيرچك خانيم بيلدى كى بو آشيق شيرين دى. سلام وئريب وقاريلن سوروشدو كى:

- آشيق سؤيله هاراليسان؟

ها جانلى سان، بو جانلى سان،

آشيق، آذربايجانلى سان؟

خبر آلماق عيب اولماسين،

آشيق هانسى مكانلى سان؟

اما بيرچك خانيم گوردو بو آشيق نه قاشيندا، نه باشيندا و نه ده دوشونده بير قارا توک قالمايب. اوژ - اوژونه دئدى: بو آشيق، معلومدور كى آشيق شيرين اولاجاق. اما آشيق شيرين اونون جاوابيندا دئيبير: قيزيم، سازلا دئيبيم، يوخ، بئله ده دئيه بيلهرم؟

قيز دئيبير: يوخ، من سواليمى سازينان سوروشدوم، سيزدن ده سازينان جواب وئرمك ايسته ييرم.

آشيق شيرين مجبور قالدى يازى ديللنديرسين. گوره ك نه جواب وئير. سازيله سؤزوله دئيبير:

ابه ر چايندا من وارانم،

آذربایجاندا آشکارام.  
 سۆزون اولسا خریدارام،  
 گوهرم، کانی نئینیرسن؟  
 آی بالا، من هله آشیق اولمامیشام. آما بوتون آذربایجان منی تانییر. سن سؤیله  
 کیمن؟  
 بیرچک خانیم گۆردو یوخ، بو آشیق اصیل کۆکلو آشیقدی. گۆرهک نه سوروشور:  
 دماوندی منیم یوردوم،  
 شش آتدیم گلهمدی، دوردوم.  
 قوناق اولماسایدین سایاردیم،  
 قوناق سان، ترجمانی سان.  
 آی آغ ساققال آشیق، من دماوند اولکهسی نین ادلی – سانلی آشیقی یام. حئیف کی  
 سن قوناقسان. بوخسا، سنی بو شا چیخارداردیم کی آذربایجان تیشهسی نن سۆزلرین  
 الیندن آلیب و سویاردیم یولا سالاردیم.  
 آشیق شیرین گۆردو بو قیز همان بیرچک اولمالی دی. جاواندی، ولی مغرور و  
 اؤزوندن یئمز بیر آشیق دی. دئدی:  
 بالا من کی دئدیم آشیقلیق چتیندی، هله آشیق اولمامیشام. اما سنی کی  
 اوستادسان، نییه بئله غرورلا دانی شیرسان؟ آشیقلیق کمالینا یئتیشن انسان، درین  
 دوشونن، دوشونجه لی اولار. ائله بیل سن بو دورومدان بیر آز اوزاقسان.  
 بیرچک خانیم بونو ائشیدیب بیر آز اوتانیر. اوز – گۆزوندن تر آخیر، اوتانیر. آشیق  
 شیرین بونو بئله گۆرذدو کده فهقهه ووروب گولور. آشیق شیرین دئییر:  
 سویمادین قورخدون اوشویم،  
 یول اهلی خرقة پوشویام.  
 گئجه یاسدیق یولداشیام  
 گوندوز مهمانی نئینه رم؟

قىز گۆردو قوجا آشيق بونا برک سۆز آتدى. اۆز – اۆزونه دئدى: بو آشيق معلومدو  
بركه – بوشا دوشن، اۆزو ده سۆز بازاريندا اوتانمايان قوجامان دى. دئدى:

مئه كيمي چيخارام داغا،  
نوح كيمي توفان ائيلهرم.  
سۆزوم جوايىن وئرمه سن  
من سنى زندان ائيلهرم.

و سۆزونو بوننان بيتيردى كى: آشيق، بوردا سنلن ايشيم يوخ، سۆزلرين ساخلا  
ميدانا. سنى جاماعات ايچينده پئشمان ائيليه جه يم. اوردا عارف لر بيلرلر كى كيمي  
سۆز و هنر صاحيبي دى.

آشيق شيرين دئدى: – اولسون، گۆرهك الله كيم ايلن اولار.

قىزلار اۆز يوردلارينا حركت اتديلر. آشيق شيرين ده بايرام و قاصيد ايله نريمان  
بيين ائوينه طرف يولا دوشدولر. اما بايرام گۆردو داىي چوخ گۆزل سۆزلريله بو قىزا  
جاواب وئردى. دئدى:

– داىي جان، بير سۆز ات بو قىزا، بلكه قاييديب باخسين. من اونون اوزون  
بير ده گۆروم.

آشيق شيرين گۆردو بايرام قىزا وورولوب. دئدى:

– اوغلوم، او، سنين اغزى نين لقمه سى دئيل. "بابلى بابى ايلن،  
مورچاليق قابينان". هر كسين اۆزونون تاى – توشو وار. او قىز اۆزو سۆز  
اهلى دير. اوتوز دوققوز آشيق الينده اسير اولوب، سن نه فيكىرده سن؟!

بايرام دئدى: داىي جان، بير سۆز منيم عوضيمن اوخو، قىز دايانسين، دونيا كى ده-  
بيشيلمز.

آشيق شيرين گۆرهك نه اوخودو:

ساللانيان گئدهن ديلبر،  
آت زولفلرين كمند اولسون.

بیر دولان باخ بیزه طرف،  
 کۆنلون آیلنسن، بند اولسون.  
 قیز قایتیدی، باخدی. بایرامین اورهیین آلدی. بایرام دئدی:  
 ساغ اول دایی، بیر بند ده اوخو!  
 اما بیرچک خانیم گۆردو قوجا آشيق دا جاوان اورهیی وار. قیزلار دئدیله: - بو یامان  
 باش قوجا، گۆر نه سۆزلر دانیشیر!  
 بیرچک دئدی: بو سۆز او بایرامینکی دی. اونونلا چوخ ایشیم وار. اما گۆرهک آشيق  
 شیرین ایکینجی سۆزون نئجه اوخور:  
 اثرمنی لر قوجار خاجی،  
 هوررلر خورمایی ساچی.  
 دوداق شیرین، سۆزون آجی،  
 لبین امه نه قند اولسون.  
 قیز ائله ناراحات اولدو کی قایتسین آشيق شیرینی بیر تاپلاسن. اما گۆردو بو قوجا  
 ایلن باشارماق اولماز. دئدی:  
 - آشيق، سنه بو سۆزلر یاراشماز. من هارا، سن هارا؟ سن منیم بابام یئرینده  
 سن، اما حیف اولاق عقیلن کم دیر!  
 آشيق شیرین گۆردو قیز ناراحات اولدو؛ بئله دئدی:  
 خیال خیالا وارمارام،  
 غیر خیالا وارمارام.  
 سندن سووایین آلمارام  
 شیرین جانیم آند اولسون.  
 بیرچک خانیم دئدی: - قیزلار، بونلار اؤز سۆزو دئییل. بونلاری بایرامین طرفیندن  
 دئییر. اما منیم بو بایراما بیر بایرام لیغیم وار. مثلدیر کی "خمیر چوخ سو آپارار".  
 اما ائله بیل اورهیی سووومامیشدیر؛ دؤندو آشيق شیرینه یئنه دئدی: - آشيق

ائله بو خيالدا قال تا عمرون قورتولسون.

أما بايرامين لاپ بايرامى ايدى. داىى سينا دئبير: داىى جان، آغزين آغريماسين. بو جور سؤزلردن اوخو؛ قوى جاماعات كئف ائيله سين.

- آشيق شيرين قيزين جاوايندا بئله دئدى:
- ديندير نازنينى، ديندير،
- گوناھين بوينو ما ميندير.
- شيرينى سؤز ايلن اولدور،
- كلن عالمه فند اولسون.

پرى، پرى ايدين امانسىز،  
من سنى بيلديم گومانسىز  
جنته وارمارام سنسىز،  
جان جهنمده بند اولسون.

سؤزلرين و آتماجالارين آتدى. قيز گوردو بو دفعه ايش پيس يئرده بند اولوب.  
باشين سالدى آشاغى، قيزلارينان يولا دوشدولر.

أشيق شيرين ده بير آز بايراما نصيحت ائله دى كى اوغول بير آز عاغيللى دولان.  
بيز، غربت اولكده ده گرهك ابرومندانه چيخيشاق؛ داها مندن ايزسىز بير حركات  
ائيله مه.

يولو گئتديلر. گئت ها گئت؛ يئتيشديلر نريمان بين منزيلينه. نريمان آشيقى  
گوروب چوخ سويندى. نريمان بى آشيق شيرين ين يولونو گؤزله بيردى. اونون  
يولونا فرش لر دؤشه ميشدى. گلن ديقه قوربان كسيب شادليق ائله دى. نريمان بى  
دئدى:

-أشيق سن بؤيوك بير آدام سان. نئجه اولدو بير مكتوبلا دوروب يولا دوشدون و  
يورايا گلدين؟

آشیق شیرین دئدی: آخی سن نامه ده ائله بیر سۆز یازمیشدین کی من دۆزه بیلمزدیم. سن دئمیشدین یا آشیق آدینی اوستوندن گۆتور، یا کیشی لیک ائدیب بورا گل. من ده گلدیم ۳۹ آشیقین جانینی قورتارام. ساکیت اوتورا بیلمزدیم.

یئیب - ایچدیکن سونرا گنجه گلدی آرایا. باشلادیلار تدبیر تۆکمیه کی نئجه میدان آچاقلار.

آما بیرچک خانیم دا نقشه چکیردی کی نئجه بو مهلهکه دن سلامت چیخسین. دئدی: - قیزلار، بیر نامه یازیرام شیرین، نریمان بیه، کی آشیق شیرین یا باجیسی اوغلو گلسین بو گنجه، بیر آز بورادا سۆز اوخوسون.

قیزلار دئدیله: - خانیم، آشیق گلمز. فیکرین نه دی؟ دئدی: سیز نامه نی آپارین.

قیزلارین نئجه سی نامه نی گۆتوروب، گلدیلر نریمان بین یانینا. نریمان نامه نی اوخودو. دئدی: آشیق شیرین، بیرچک خانیم سنی و باجی اوغونو بو گنجه دعوت ائله ییب اۆز منزلینه، اوخوماق اوچون.

آشیق شیرین دئدی: من بیر قوجا کیشی، اؤزوم ده یورغون. آندان، او بیز ایلن رقیب، بو نه قوناقلیق دی؟ من گنده بیلمه رم.

بایرام دئدی: دای جان، من گنده رم.

-اوغوم، بو نه سۆزدو. سنین فیکرین خام خیال دی. او بیزه نفسی وار.

هر نه دئدی، بایرام باخمادی. نریمان دئدی: - نه اولار! قوی بایرام گنده، بیر آز قوناقلارینا اوخویا.

بایرام سازی گۆتوردو، قیزلارینان یولا دوشدولر. بیرچک گوردو نقشه سی توتدو. دئدی: - به به اوغلان، من ائله منظوروم سنی گۆرمک ایدی. باغیشلا صبح اگر بیر آز آجیقلا ندیم و قیزلار سنه اذیت ائله دیلر.

بایرام دئدی:

-خئیر خانیم، هئچ اذیت ائله مه دیلر. آتین تووله میخی منیم کوره ییمه ده بیردی.



بیرچک: اوغلان، سن آشیق شیرین دن ده یاخشی آشیق سان؛ آدین نه دی؟  
 بایرام: خانیم منیم آدییم بایرام دی. من قوللوغوندا وارام.  
 قیز دئی: بیر نئچه کلمه اوخو، قوی قیزلار قولاق آسین.  
 بایرام "باش اوسته" دئییب، باشلادی اوخوماغا:

گۆزلر ایچینده بس منم دئین،  
 زرخدان آلتیندا قوشا خال گره ک.  
 غنچه دهن، دوداق پوسته، دُر دیشین  
 امنده لبلرین مثل بال گره ک.

کاتان کۆینک گئییب یاخاسی بیرموش  
 ساری باشماقلارین نالچاسی گوموش،  
 میرواری توپوغا توتایدیم ناخیش،  
 مرصع کمره اینجه بئل گره ک.

آلیشان اوتاقدیر، آلیشان ائیوان،  
 تامام الوان اولموش قیرمیز زرنشان،  
 عثمانلی دؤشکلر، قالی خراسان،  
 بایرام بو دولته بیر اقبال گره ک.

خانیم دئی: بایرام، بو سؤزلر چوخ گۆزلی؛ اما آخیریمینجی سؤزون "بو دولته بیر  
 اقبال گره ک" یانی نمه؟

بایرام دئی: خانیم، اوزومدن گلیمیر دئیهم. من سنی گۆرچک سنه وورولدوم.  
 قیز کی ائله بئله بیر سؤز دالیسیجایدی اوره کدن سئویندی. بیلدی کی اوغلانین  
 عقلی چاشیب. دئی:

-آی اوغلان، من ده سنه یامان وورولدوم.

بیرچک خانیم قیزلارا اوز چئویریب دئییر: قیزلار من ساز- سؤزده نه دئییرم سیز او ایشی گۆرمه یی حاضیرلایین. - آلیر گۆره ک قیزلارا نه دستور وئیر:

باشینا دؤندویوم گول اوزلو قیزلار،

بایرامینان سارماشایدیم بو گئجه.

جسدیم ایچینده سوموگوم سیزلار،

بایرامینان سارماشایدیم بو گئجه.

بایرامین عقلی باشیندان گئدیر. اوره یینده دئییر: "یاخشی داییم گلمه دی". نه گۆزل اوخویور و نه گۆزل سؤزلر دئییر. بیرچک خانیم دوام ائندی:

قیزلار، سیز ده مطلبلری بیتیرین،

هر نه دئییم، سیز بورایا گتیرین،

امان قیزلار بیرجه خشه گتیرین،

سارماشایدیم بایرامینان بو گئجه.

بایرام ائله خشه سؤزونو ائشیدن ده دئدی:

-خانیم، خشه نه اوچون؟ اولما گینه منی تنبیه ائده چکسن؟

بیرچک گولوب دئدی: یوخ، من عاشیق اولموشام. سنه عاشق اولموشام. بونلار هامیسی بونا گۆره ایدی کس سنین کیمی بیر آشیق تاپیلایدی. اما بوردا معاشقه ائله مک اولماز.

بیرچک سازا بیر زخمه ووروب سؤزون دالینی گلیر:

قیزلار، سیز ده بایرامینان سیزلایین،

بیز گتیرین، سیز بایرامی بیزله یین،

دوز گتیرین، یارالارین دوزلایین،

سارماشایدیم بایرامینان بو گئجه.

خانیم دئییر: بایرام، بو سؤزلر رمز و رازدی. منن قیزلارین ایچینده. سن ناراحت اولما!

قىزلار گلين بايرام اوچون آغلايين،  
ياغ گتيرين يارالارين باغلايين،  
ايب گتيرين خشه آغزين باغلايين،  
سارماشايديم بايرامينان بو گنجه.

بايرام، ساده بير انسان، باشا دوشمور كى بيرچك خانيم بونا نه تلهسى قوروب.  
دئير: خانيم، من چوخ سؤزلرى باشا دوشمورم؛ اما سيز گوؤل اوخويورسوز.  
قىز دئدى: بايرام، سن گرهك گيره سن خشه يه. من ده دالينجا گليرم.

بير تعريف يازارام خانا – پاشايا،  
اوزونده خالى قوشا قوشايا  
زحمت چكه بايرام گيره خشه يه،  
سارماشايديم بايرامينان بو گنجه.

سؤز قيزين آغزيندان چيخانا، بايرام گيردى خشه يه. قىزلار خشه نين آغزين  
باغلاديلار. ايب ساليب گويدن آسديلار و باشا بير دانا بيز آيب، بايرامى بيزله مه يه  
باشلاديلار.

آنچاق، بيرچك خانيم بير واخت باخيب گوږدو بايرام آز قالب اؤلسون. دئدى:  
قىزلار، داي بسدى. بايرامى آپارين نريمانين قايسيندا يتره قويون.  
صبح سپيده نريمان گليب، نه گوږدو؟ بير خشه! اما خشه دن قان دامير. قايديب  
أشيق شيرينه دئدى: ائله بيل بيرچك خانيم منيم اوچون قوربانلىق گونده ريب  
خشه ده.

أشيق شيرين دئدى: او خشه، بايرامدى. بايرامى اؤلدوروب، قويوب خشه يه،  
يوللايب سنه.

گليب گوږدولر، بعلی، دوزدو، بايرامين يارى جان اؤلسون گتيريلر. نريمان بى  
دستور وئردى حكيم لر گلديلر. بايرامين باشى اوسته. قيرخ گون طبابت ائيله ديلر؛  
آخردا سلامتليغين اله گتيردى. اما بو نچه مدته آشيق شيرين له بيرچك خانيمين

دئيشمه سى دالا دوشدو. بيرچك خانيم بو حركاتيله ايستيردى بلكه آشيق شيرين  
منصرف اولو و قايدا گنده اؤز اولكه سينه.

اما بايرام يارالارى توختاپاندان سونرا دئدى: دايى جان، بو قيز نامرد بير ادامدى.  
بونون مئيدانينا گتتمه، سنى ده اولدورر.

آشيق شيرين دئدى: اوغولم، خطا سندن دى. من دئديم، سن باخمادين.

اما بايرام تصميم دوتوب قايدا وطنينه. آشيق شيرين دئدى:

-اوغولم، منى تك قويوب گتتمه. گوره ك ساز و سؤزيله نه دئيير:

منى قويما ياد اولكه ده، ياد ائله،

غربتده بد كئچر حالى قوجانين.

بولبولون حسرتى واريميش گولده،

گون به گون سارالار گولو قوجانين.

ايكى بى ايش ايله بير - بيريله باب اولار

قوهوم - قارداش ائل ييغilib ياد اولار.

اوغول اوزه دورا، ارواد بد اولو

اوندا گئچر نئجه حالى قوجانين؟.

-

شيرين دئيير تيتره شيرى ديزلريم،

اوزاق - ياخين داها گورمور گوزلريم

قراندان - كتابدان كئچير سوزلريم،

يغيشا بير يتره بئشى قوجانين.

بايرام آماده اولوب گتتمه گه، دئدى: - بو سوزلرى بوراق. گل قايداق وطنيميزه.

بوردا بيزه دوست يوخ، آخيردا غربت اولكه ده اولدوررلر بيزى.

اما آشيق شيرين دئدى: - اوغول، قولاق آس نئچه كلمه ده دئييم؛ اوندان سنى

آلاھا تاپشيريم، گنت.

آشيق شيرين ختير دوعاسين وئرير:

گنديرسن وطنه، خوش گلدين اوغول،

شاه مردان مولا علي بيلنچين

قدم لرین گۆزوم اوسته، خوش گلدين اوغول،

ارن لرین قبله گاهی بيلنچين.

دوعالی اول گيلن، دوعاسيز اولما،

گووالی اول گيلن، گوواسيز اولما،

بيوب بير قوش کیمی يوواسيز اولما،

گۆتور ناموسونان عار بيلنچين.

هر يانا گنديرسن، چاغير آلاھی،

وئرسين مورادیوی، شاهلارين شاهي،

آشيق شيرين دئبير چوخ چکمه آھی،

آقام شاه مردان علي بيلنچين.

سۆز تامام اولدو. سۆزلر بايرامين اراده سين عوض ائله دی. دئدی: دایی جان، من

سنسيز هئچ يانا گنتميرم؛ اما چوخ قورخورام کی باشيميزا بلا گله.

آشيق شيرين دئدی: - سن، من دئيه نه باخسان بير شئی اولماز.

آما نريمان بيرچک خانيم خبر وئردی ميدان سولاندير کی صاباحدان گره ک

دئيشمه لر باشلانا.

صوبح اولدو. هر کس اوژ آدامينان مئيدانين بير گوشه سينده اگلشديلر. آشيق

شيرين سازی الينده بير طرفده، بيرچک خانيم بير طرفده. جاماعات بونلارين

دئيشمه لرین گۆزلويورلر. بيرچک خانيم يئددی قلم بزه نيپ و غرورلا مئيدانين بير

گوشه سيني آيب. بيرچك خانيم باشلاير حربه - زوربا سۆزلرين؛ ياني رجز  
اوخوماغين:

باشينا دۇندويوم، آي آشيق شيرين،  
گل منن گيرمه بو مئيدانا سن.  
قوجالميسان، قدين اولوبدور كامان،  
گل منن گيرمه گيلن بو مئيدانا سن.

-آي آشيق، سنه اوره ييم يانير؛ غربت اولكهده سني سۆزولن باغلارام و او اوتوز  
دوققوز آشيقلان اولدوررم.

آشيق شيرين ده گورور بو خانيم ائله گۆزچك و ائله گۆزلدير كي هر بير  
جاوانين عقلي باشيندان آلا بيلر.

آشيق بيرچك دستور وئرميشدى زنداني اولان ۳۰ اشغي دا اللرى - قوللارى  
باغلى، مئيدانين بير طرفيندن توپلاميشديلار و مئيداندا نه گنچديگينه باخيرديلار.  
هامي ايسته بير آشيق شيرين سۆزو باشلاسين. گورهك آشيق شيرين نه دئير:

وارديم، گتتديم نازلى يارين باغينا،  
آغير ائللرينه قوربان اولدوغوم؛  
آيديم بوداغيني، درديم گولونو،  
قيزيل گوللرينه قوربان اولدوغوم

صراحي گردن لر، مينا بويلولار،  
شير بيلك لي لر، آسلان خويلولار،  
مني اولدورر لر اصلى خويلولار،  
گۆزل ائللرينه قوربان اولدوغوم.

دوشمن باغوا گيرمه سين خور ياد،

شیدا بولبوللرین ائیله سین فریاد،  
او جانلار آلیجی قیرمیزی جلا،  
گۆزل ائلرینه قوربان اولدوغوم.

بونو اوخویوب، مئیدانا گیریر. ایندی بیرچک خانیمین جوابینی وئرمک ایسته ییر.  
گۆره ک نه دئییر:

باشینا دؤندویوم، آی بیرچک خانیم،  
منی بو یوللارا اؤزون سالیسان،  
بیر نچه جاوانی سالیسان بنده،  
منی بو یوللارا اؤزون سالیسان.

شعرینن اوخودوغو کیمی دیلینده ده دئدی: - منی بورا سنین حرکاتین چکییدی.  
نیه نچه جاوانی اذیتنه سالیسان؟ مگر بیلیمیرسن کی بیری تاپیلار سندن یوخاری  
اولار، سنین غرورون دا سیندیرار.  
اما گؤراخ بیرچک خانیم نه دئییر:  
خرمدره هارا، دماوند هارا،  
سؤز ایلن وورارام قلیبوه یارا،  
بیر اووچویام سنی سالمیشام تورا،  
گل گیرمه من ایلن بو مئیدانا سن.  
گینه سازلا اوخودوغونو، دیلده دئییر: - آی قوجا آشیق، گل سؤزومه باخ؛ قاییت بو  
مئیداندان.

أشيق شیرين دئدی: - سن باشارسان منی تورا سال!  
اؤزوم قوجا اولسام، سؤزومدو عمان،  
هره سی معنادا بؤیوک بیر عنوان،  
گئن دونیا باشیوا اولاجاق توفان،

منى بو يوللارا اوزون سالييسان.

اشيق شيرين ده سوزلريني سازدا دئديگي كيمي بير ده ديلده دئدى: - بس سن گل، منيم سواللاريم باشلانماميش اشيقلارى آزاد ائيله؛ يوخسا بو مئيدانين قهرمانى من اولاجاغام. تا بيله سن كى بو باش - گوز دييرماندا آغارماييب. بيرچك خانيم داوام ائدير:

من بيرچك، اديم دوتوب هر يانى،

قوش كيمي كسميشم ايندى مئيدانى،

تنگ ائدرم من باشيوا دونيانى،

گل مينلن گيرمه بو مئيدانا سن.

-آى اشيق، بو جاوان اشيقلار منه طمع ائيله ييب گلديلر مئيدانا، من بولارى تنبيه ائتمك اوچون سالديرديم زندانا؛ تا داها هر كس بير تاختايا بير قيل چولا ييب آدين اشيق قويماسين. سن ده قوجالييسان، عقليين - هوشون چاشار مئيداندا، سوزون ايتيره رسن و باغلانارسان. بس گل قاييت.

اشيق شيرين دئدى: آلاها توكل:

من شيرينم بو مئيدانا گل ميشم،

غرق ائيله ييب نهنگ لرى گورموشم،

عارفلر يانيندا دؤوران سورموشم،

منى بو يوللارا اوزون سالييسان.

-آى قيز، گل سن منيم سوزومه باخ؛ اشيقلارى آزاد ائيله، اوزون ده آزاد اول.

بيرچك خانيم قهقهه ووروب گولود، دئدى:

-آى عمى، ائله دوغرودان كى قورخوبسان؛ اما ائله - بئله باخاندا گوردو اشيقين

گوزونون ياشى تخته روخسارينه توكولوب. البت بو گوز ياشى قوجاليغين ائاريدى.

اما بيرچك خانيم ايستير اونو سوروشسون:

گل گل اشيق، سندن خبر آلاييم،



ديدهنن آخيلان ياش نهدن اولدو؟

او نه ايدى، هاردا ووردو ماياللاق

رسولين يولوندا داش نهدن اولدو؟

آشيق شيرين معطل قالدی نئجه دیدندن یاش نهدن اولدو. جاماعات ایچینده بیر سلمانی واریدی. البتده قدیم سلمانیلار ائلین تمام دبلرینده مثل توی، یاس، اؤزلری مجلس دولانديران اولاردیلار و دونیا گۆرموش آداملاریدیلار. سلمانی گۆردو بیرچک خانیم، آشيق شيرينين گۆزونن آخان یاشا اشاره ائيلهدى. شاید آشيق شيرين باشا دوشمیه. تئز جیبیندن بیر گوزگو چيخارديب گۆرستدی. آشيق شيرين آخان یاشی اوزونده گۆردو. اوره کدن سئویندی کی آلاها شوکرار اولسون، مرد اوغلانلار هر بير يئرده واردیلار. آلیب بئله دئییر:

جمالین گۆرستدین شوخ ستمکار،

دیدمنن آخیلان یاش اوننان اولدو.

حجرالاسودیدی وورار مايالاق،

رسولون يولوندا داش اوندان اولدو.

—آی قیز، سنین جمالین منیم گۆزلریمی حئیران ائيلهيب، اودور کی گۆزومون یاشی گلدی روخساریم.

بیرچک خانیم گۆردو آشيق گينه بونا سؤز آتیر. دئدی: آشيق، انشاء الله کی بو

طمعین اولمویا، کی منی محکوم ائیلییب آلسان.

آشيق شيرين دئدی: آی قیز، ایشین آخیرینه باخ.

بیرچک خانیم بئله سؤز خیر آلدی:

او کیمدی اژدهانی بؤلدو سراسر،

او نه دیر اوجو گزه سراسر،

او نه بئشدی نئچه سینه گون دوشر،

وعده تمام اولدو ، بئش نهدن اولدو؟

آشیق شیرین گولودو: آی قیز، بو سۆزلری من اوشاق ایکن بیلردیم. آلیر جاواین بئله دئییر:

او علی دی، اژدهانی بۆلدو سراسر،  
 او قلم دی نوکی گزه سراسر،  
 او نامازدی عصره ظهره گون دوشر،  
 وعده تمام اولدو بئش اوندان اولدو.

بیرچک خانیمین خوشونا گلدی. دئدی: آشیق، معلومدی سن درین دوشونجهلی آشیق سان. من بیر ائرنی قیزی یام. سن مسلمان. اونا گۆره سندن اؤز مساله شرع- لریزی سوروشدوم گۆروم بیلرسیز یا یوخ. اما دوباره سۆزون بئله سوروشدو:

بس نه لر سؤیلندی، نه لر بیتدی،  
 او کیمدی گتندی اونو نه دوتدو،  
 اسکندر سیررینی کیم بیان ائتدی،  
 بیرچک دئییر عالمه فاش نهدن اولدو؟

آشیق شیرین گۆردو بیرچک خانیم دوغرودان کی تاریخه یاخشی بلددی. دئدی: - الحق کی سۆز بیلن بیر قیز سان، اما آلیر جاواین وئرسین:

قویویا سؤیلندی قارقولار بیتدی،  
 چوبان چاره گندیب اونونو دوتدی،  
 اسکندر سیررینی نئی بیان ائتدی،  
 شیرین دئییر عالمه فاش اوندان اولدو.

سۆزلری آچدی کی آی خانیم، اسکندرین سیررین قارقیلار بیان ائتدی. اما سن ده ساغ اول کی بو جور درین و دوشونجهلی آشیق سان. اما بوگون بسیمیزدی. صباح مئیدان آچاجاییق گۆره ک الله نه ایستیر.

گئتدیلر استراحت لرینه. گینه صباح مئیدانا گلدیلر. گینه فرصتی آشیق شیرین

وئردى بيرچك خانيمما.

بيرچك خانيم:

گل گل آشيق، سندن خبر آلايم،

بس نه گونده دنيا بنياد اولوبدو،

او کيمدى گئدى<sup>۱۴</sup> کعبه داشيني،

او کيمدى خادم اوستاد اولوبدو؟

أشيق شيرين گوردو بو قيز ائرمنى دى، اما سؤزلرى و سواللارى مسلمانچىلىق  
حقيقنده دى. دئدى: - بو يامان باش ايستير گوره من اؤز دينيمه يئتيمگم يا يوخ.  
آلدى گوراخ نه دئدى:

گل گل آشيق، وئريم سؤزون جاوايبن،

شنبه گونى دنيا بنياد اولوبدو.

او جبرئيلدى گئدى حجر داشيني،

ابراهيمدى خادم اوستاد اولوبدو.

-آى قيز، ياواش - ياواش سندن خوشوم گلير كى تاريخه يتگينسن؛ اما ايشين  
آخيرين گؤزله.

بيرچك خانيم دا گوردو آشيق شيرين سؤز بيلن و عاريفدى. اوره كدن خوشونا گلير.  
گوراخ نه سوروشور:

او کيمين اوشاغى دانيشدى يالان

او کيمدى قويودا داش اوسته قالان

او کيمدى جمشيدى تختيندن سالان

هانسى شهردى داغليليان برباد اولوبدو؟

-آى آشيق، دى گوروم بو سؤزلرين و بو تاريخين معناسى نه دير؟  
هشيق شيرين:

یعقوب اوشاقلاری دانیشدی یالان،  
 او یوسیفدی قویودا داش اوسته قالان  
 حضرت علی دیر جمشیدی تختینن سالان  
 او لوط شهری دی داغیلیب برباد اولوبدو.  
 أما بیرچک خانیم گۆردو هر نه سوروشور، آشیق شیرین جاواب وئریر. اؤز اؤزونه  
 دئدی: گۆره سن بو منن نه سوروشاجاق؟  
 أما دوباره بیرچک خانیم سوروشور:  
 او نه ایدی قالخیب عرشه چکیلدی،  
 او کیمدی باشی تشتده کسیلدی  
 او کیمدی ناحق قانی تۆکولدی  
 هاردان هارایا ظلم بنیاد اولوبدو؟  
 أما آشیق شیرین گۆزونون یاشی تۆک.لدو. / بیرچک خانیم دئدی: نه اولدو آشیق؟  
 نییه آغلیرسان؟  
 آشیق شیرین دئدی: اول سنین جوابین وئریم، سورا بیلرسن:  
 اوفقدی قالخیب عرشه چکیلدی،  
 کوروشدی باشی تشتده کسیلدی،  
 شاه کربلانیین ناحق قانی تۆکولدی،  
 بیردن گۆبه ظولم بنیاد اولوبدو.  
 آشیق شیرین دئدی: بیرچک خانیم، آغلادین اونا گۆره کی حضرت امام حسینه  
 چوخلو ظولم ائله دیلر. أما گۆره ک بیرچک خانیم نه خبر آلیر:  
 معرفتین اولدو بیزه یقین لر،  
 کیمین جمالینا صد آفرین لر،  
 بیرچک دئییر دین ایچینده نه دین لر،  
 هانسی دین دی بس آشکار اولوبدو؟

آشيق شيرين:

معرفتيم اولدو سيزه يقين لر،

علی (ع) جماليوه صد آفرين لر،

شيرين دئير دين ايچينده دين لر،

او اسلام دينيدي آشكار اولوبدو.

اما آشيق شيرين گوردو قيز اثرمني اولدوقجا اما اسلام دين يندن سوآلات ائليير. اوزو ده چوخ اطلاعاتی دوز گوندو. دئير انشاءالله کی بونو باغلاياجاغام و مسلمان ائليه-جاغام.

گينه بوگونون مئيدانی باشا چاتدئيو هر کس اوز منزيلينه گتتدی. صباح مئيدان قورولدو. دئيشمه لر باشلاندى. گئنه ده آشيق شيرين نوبتی وئردی بيرچك خانيم. بيرچك دئير:

گل گل عارف، سنن خبر آلايم،

او نه دی کی اونا چاره بيلينمز؟

او نه دير کی باشبار اوسته دولانير

وقتی باشا يئتمه سه هئچ خزان اولماز؟

قيز دئير: آشيق، دئ گوروم او نه دی کی چارهسی اولماز؟

آشيق شيرين بير آح چكدی، گوراخ نه دئير:

گل گل آشيق، وئريم سوزون جاواين،

او اولوم دور اونا چاره بيلينمز.

او اجلدى باشلار اوسته دولانير،

وقتی باشا اولماسا هئچ خزان اولماز.

قيزيم، اولمايا منيم سنيمين چوخلوعونا گوره بو سوآلی ائله دين؟ اما اولوم الله اليندهدی.

بيرچك خانيم آشيق شيريني بير عارف گوردو. سازيلان سوزولن بئله سوروشدو:

او، نه دیر کی عالم لرده سئیر ائیلر،  
 او نه دیر کی باشلار اوسته دور ائیلر،  
 او نه دیر کی گئجه - گوندوز دولانیر،  
 اؤزو غوطه وورار خوامی بیلینمز؟  
 بیرچک خانیم سوال ائیلر، اما اوره کدن آشیق شیریندن خوشو گلیر کی به به، بئله  
 بیر آشیق من نئجه کتابلار بیغیب گتیریب، سوال طرح ائیلیرم اما بو، اؤز سینه سیندن  
 بوتون سؤزلریمه جاواب وئیر.

گۆرهک آشیق شیرین نه دئیجهک:  
 آی اینان گون عالم لرده سئیر ائیلر،  
 او اؤلومدی کی باشلار اوسته سئیر ائیلر،  
 او سودور گئجه - گوندوز دور ائیلر،  
 اؤزو غوطه وورار خوامی بیلینمز.  
 آشیق شیرین دئدی: قیزیم، یاواش - یاواش سنن خوشوم گلیر کی گؤزل بیر  
 سؤزلره اشاره ائیلیرسن. اما سؤزومه باخمادین؛ دئدیم: آشیق لاری آزاد ائیله؛ منی  
 اذیه ته سالما. حئفیم گلیر کی سنی اؤز ائیلن ایچینده باغلایام.  
 بیرچک خانیم:

او نه دیر کی مات قویوبدو الماسی؟  
 او نه دیر کی دالیندا وار قلعه سی،  
 او نه باغدی نه اوتو وار گیاسی  
 گناهکاری - بی گناهی بیلینمز.  
 آی آشیق، سؤزومه جاواب وئر کی جامعاتی معطل ائله میهک.  
 آشیق شیرین دئدی: گؤزوم اوسته  
 قورقوشومدی مات قویوبدی الماسی،  
 توسباغادی دالیندا وار قالاسی،

برهوت چۆلودوز نه اوتو وار نه گياسی،  
گناهکاری بیگناهی بیلینمز.  
قیز گۆردو هر نه سوروشوز بو قوجا جاواب وئیریر. چوخ دا تعجب ائیلیردی کی آشیق  
شیرین قوجالیغی ایلن ذهنی و فیکری بیر جاوان کیمی دی. دئدی:  
أشیق شیرین، من سنی چوخ قدرتلی آشیق گۆردوم. گل بو مئیدانان قاییت. قوی  
آدین یئرینده قالسین.  
أشیق شیرین گولودو، دئدی:  
قیزیم، سۆزلرین سوروش تا گۆره ک الله کیمه وئره چک.  
قیز سۆزون سوروشور:  
گل گل آشیق، سنن خبر آلايیم،  
نه آغاجدیر اون ایکی آیاغی وار؟  
نه یئرده قرار دوتوب، اوتاغی نئچه؟  
نه بولبولدو اونون اوسته غزلخوان اولدو؟  
بیرچک خانیم سۆزلری بوتون ائمه ی اطهاردان و دینن اولدوغونا گۆره، آشیق  
شیرین سئوینیر. جاوابین بئله دئییر:  
گل گل عارف، وئیریم سؤطون جاوابین،  
او منبردی اونون ایکی آیاغی واردی.  
مسجدده قرار دوتوب اوتاغی بئشدی،  
او عالمدی اونون اوسته غزلخوان اولوب.  
قیزیم بئله بیر سۆزلری بیز آنا لایلاسی کیمی اورگنمیشیک.  
بیرچک خانیم یئنه سازی کؤکلیوب سۆزون سوروشور:  
گل گل آشیق، سنن خبر آلايیم،  
او کیمدی الله دان قوناق ایسته دی،  
کیملر جمع ائیلهدی آلتی ایلیق غذانی،

اونون قوناقلاری بس کیملر اولدو؟  
 آشیق شیرین گۆردو قیز ائبه سینہ دولو آشیق دی. گۆره ک نه جاواب وئره چک:  
 گل گل آشیق وئریم سؤزون جاواین،  
 حضرت موسا الله دان قوناق ایسته دی،  
 هامیلاری جمع ائله دی آلتی ایللیق طعامی،  
 اونون قوناقلاری یارانمیش اولدو.

قیزیم، حضرن موسا درخواست ائله دی الله دان کی ایستیرم بوتون یارانمیشا  
 قوناقلیق وئره م. الله بویوردو سنین ایشین دئیل، اما فرصت وئردی حضرت موسا  
 آلتی ایللیق طعام بیغیب، بیر قوناقلیق بوتون یارانمیشا وئره.  
 قیز سوروشدو: یاخشی، کیملر بو غذا دان یئمہ دی و کیملره یئتیشمه دی؟  
 گؤراخ نئجه سوروشور:

گل گل عارف، سنن خبر آلایم،  
 او کیمدی هر وقتده ائیلیر دیوانی،  
 هانسی قوناق ایدی آلتی ایللیق غذانی بئدی،  
 کیملر اوژ قوناقیندان خجالت اولدو؟

آشیق شیرین دئیر بئله دیوانی،  
 حضرت علی دیر ائیلردی هر وقت دیوانی.  
 او نهنگدی یئدی آلتی ایللیق غذانی،  
 او موسایدی قوناقیندان خجالت اولدو.

آشیق شیرین دئدی: قیزیم، روزی رسان تکجه الله دی. داها هئچ یارانمیش قادر  
 دئیل. نئجه کی موسا قوناقلیغیندا بیر نهنگ آلتی ایللیق طعامی یئدی و بوتون  
 قوناقلار آج قالدی. حضرت موسا اوز دوتدو الله کی: بارالها، یارادان سنسن، روزی  
 رسان سن؛ و الاها تسلیم اولدو



بیرچك خانيم أشيق شيرينه احسنت لر دئييب، أما گئنه سؤزون سوروشور:

گل گل عارف، سنن خبر آلاييم،

نه يئرده بيتيدى مُشك ايلن عنبر،

من أشيق بيرچك سنى تالاييم،

کيم اوچون ساليندى مسجد و منبر؟

بیرچك خانيم سؤز سؤروشور، أما أشيق شيرين سؤزون جاوابين تاپا بيلمير. بیرچك

خانيم مأمورلاری ايستير أشيق شيريني آپارسينلار زيندانا. أشيق شيرين ايدين

آلدى کی من قوجايام و يورقون. صباح بو سؤزون جاوابين وئره جه يم.

نريمان بی لاپ نااميد اولدو کی بابا، بو دا بيرچکه جاواب وئره بيلمه دی. او بيریسی

أشيقلارن دا قانينا باعث اولدو. گلدیلر منزيله. أشيق شيرين گئجه نی آلاهيئان راز

و نیاز ائيله دی: لار پروردگار! منی بوردا خجالت ائيله مه. عالم رؤياده اؤز مولاسين

گوردو کی اونا موژده وئريب، سن صباح فاتح مئيدانسان. صوبح نامازين قیلیب،

ناشتاسيني يئييب، گلدیلر مئيدانا. گؤراخ قيزين سؤزونون جاوابيني نئجه وئره جک:

گل أشيق، وئريم سؤزون جاوابين،

بهشتده بيتدی مُشك ايلن عنبر.

گؤزل يئتیب نبوتته پیامبر،

رسوله ساليندى مسجد و منبر.

بس أشيق شيرين سؤزون جاوابين وئردی. هاميلار اونا احسنت دئديلرو أما قوجاليق

أشيقا چوخ تاثير قويموشدو. بو دفعه أشيق شيرين بيرچك خانيم دئدی: ايندی، بير

نئچه کلمه ده من سندن سوروشوم.

هامی جاماعات أشيق شيريني ألقيشلاديلار. گؤره ک نه دئدی:

گل گل أشيق، سنن خبر آلاييم،

بس نه گونده زمين دوتوبدی مايا؟

نه ايلن ياراتديلار عرش و زميني؟

آدم نه تاریخده گلدی دونیا یا؟  
 قیز معطل قالدی. دئدی: بئله بیر سؤزو کییم آچاجاق؟  
 آشیق دئدی: ایکینجی سؤزومه قولاق وئر:  
 نه آددادی حضرت موسا آناسی؟  
 نه دن اژدها اولاردی اونون عصاسی؟  
 نه دن اولمادی بو دونیانین وفاسی؟  
 نه دن قدرت وئریم هم اولدوزا، هم آیا؟  
 قیز دئدی: مگر بیز منجم ایک؟ سن آشیق سؤزو سوروش.  
 جاماعات دیله گلدی: خانیم، نئچه گوندو سن سوروشورسان، آشیق جاواب وئریر.  
 سن ده اونون سؤزونون جاوابینی وئر دا!  
 آشیق شیرین گولدو، دئدی: آی قیز، آشیق گرهک یئردن – گویدن دانیشا.  
 آشیقین سؤزلری تمام معمالی گره کدی. حق آشیقی حقدن دانیشار. سن چوخلو  
 مئیداندا اولوبسان. گرهک قوچ مئیدانینا دوشه سن تا بیله سن کی آشیقلیق یانی  
 نَمَنَه!  
 آنجاق آشیق اوچونجو سؤزون ده سوروشدو:  
 آنجاق بیرچک خانیم جوابدا قالدی. هئج بیرینه جواب وئر بیلمه دی.  
 آشیق شیرین هله یوزلر سورغوسو وار کی هله سوروشماییب. بیرچک خانیمین  
 آغزینی باغلاماق اوچون باشقا ردیفله سؤزلرینی و تزه سوآلارینی باشلا ییر:  
 گل گل سندن خبر آلیم،  
 بو دونیانی یوران کیمدیر؟  
 ذوالفقارین قایاغیندا  
 دایانیبان دوران کیمدیر؟  
 قرآنی گتدیلر معنی

نئچه يئره وئردى معنى،  
دریا اوزونده کوتانى،  
جوت قوشوبان سورن کيمدير؟

گينه بيرچك خانيم دايانيب لال دوردو. جواب وئره بيلمهدى. اما آشيق شيرين هله  
تزه جوشه گليب چوخلو سوآلارى اوره بينده قاليب:  
گل گل آشيق سندن خبر آلايم،

.....

بيرچك خانيم داها داياندى؛ هامى حئيرتده قالدیلار. بيرچك خانيم مئيداندا مغلوب  
اولدوغونو و آشيق شيرين غالب گلديگيني سؤيلهدى.

آنچاق آشيق التفات داستانى بئله بيتيرير:

آشيق شيرين بيرچك خانيمي باغلادى. دئدى: خانيم، سن بو ساعتدن نريمان  
بى بن حلال و شرعى خانيمي اولاجاقسان و او اوتوز دوققوز آشيعى آزاد ائليه  
جاقسان.

آشيقلار آزاد اولدولار. هاميلار آشيق شيرينه آفرين دئدیلر. اما بير ماللا گلدى  
بيرچك خانيمين کينين کسدى نريمان بى يه. آشيقلار هاميسى دا تويدا اولدولار.  
نريمان بى سوروشدو: آشيق دوزونو دئ گؤروم سن نئجه اولدو بيرچك خانيمين بير  
کلمه سؤزونه جواب وئرمهدين. اما صاباحى گون مئيداندا اوت ياغدیردين؟  
آشيق شيرين دئدى: قولاق آس دئيم:

سنه دئيم نريمان بى  
من آغام على نى گؤردوم.  
آييلديم سجده قيلماغا  
دولدولون ناليني گؤردوم.

دولولو گۆردوم بئشینده  
نشان واردی دؤشونده  
موسا ائیلن تورا دوشنده  
من آقام علی نی گۆردوم.

شیرین دئیر اعلا گۆردوم  
جان ایچینده جانا گۆردوم  
عرش اوزونده محمدی  
من علینی اعلا گۆردوم.

سۆزون یئتیردی کی: نریمان بی، منه مولا علی یار اولدو.

هامی مولانین گول جمالینا صلوات دئدیله.

بیرچک خانیم بو سۆزلر تاثیر ائله دی. او دا مسلمان اولدو. اونلار اورددا شاد  
یاشادیلار، سیز ده بوردا خرامان قالین.<sup>۱۵</sup>

سون

---

۱۵ بوردا ایکی روایت وار: بیرینده دئیرلر بیرچک خامیم ایله نریمان بی ائولندیله، ایکینجی روایتده دئیرلر بیرچک  
خانیم آشیق شیرین یین اؤزو ایله ائولنمیشدیر. الله بیلیر هانسی دوزدو.

## مؤخره

آشيق شيرين و بيرچك خانيم داستانى، زنگان داستانلارى آراسيندا اؤزونه گۆركملى بير يئر آلير. گۆرۈندۈيۈ كيمي آشيق شيرين و بيرچك خانيم داستانى، آشيق شيرين دئيشمه لرى اساسيندا يارانيدير و اونون يارادانلارى، آشيق شيريندن سونرا گلن آشيقلار و بلكه ده اونون شاگيردلرى طرفيندن يارانميشدير.

داستان بورادان يارانير كى بيرچك خانيم دماوندده ياشايان سۆز و ساز اوستاسى كيمي ديللى – باشلى و ساز چالمادا، سۆز قوشمادان ماهير بير آشيق دير، عئىنى حالدا مال – دولتى ده باشيندان آشيرميش. اونون شهرتى و گۆزەللىگى ده هر يانا يايلىميش و اونون گۆزەللىگينه، حتا مالينا طمع ائدن لر ده چوخ اولموشدور. آنجاق او ائله بير آدم ايله ائولنمك ايستير كى اؤزونه لايىق اولسون، اؤزەللىكله ساز و سۆزده ده باجاريقلى و بيه نيلن بير انسان اولسون. اونا گۆره شرط قويور ائله بير كيمسه ايله ائولنه جكدير كى ساز و سۆز ده اونو باغلايا بيلسين.

او بيرى طرفدن نريمان بى آدلى بير خان يا خانزادا، وارلى – كارلى بير آدم، بيرچك خانىما عاشيق اولور؛ آنجاق ساز و سۆز اوستاسى دئىلىميش. بيرچك خانىمين ائلچى ليگينه گنديسه ده اونونلار دا بو شرطى چۆزمه ميشدير. اما قبول ائتميشدير كى اؤزو اونون ياريشماسينا گيرمه سه ده، ائله بير آشيق تاپيب گتيرمه- لى دير كى ايسته ديگى هنرلره ماليك اولسون، اگر بيرچك خانىمين ايسته ديگى هنره ماليك اولماسالار و سۆزلرينه جواب وئره بيلمه سه لر اونلارى دوستاق ائده- جكدير.

نریمان بی آختاریر بئله ماهیتده اولان آشیقلا ریلا دانیشیب اونلاری بیرچک خانیمین دئییشمه سینه گؤنده ریر. بیرچک خانیم اونلاری دئییشمه ده باغلا ییب دوستاق ائدیر. ایش اورایا چاتیر کی داها ۳۹ آشیق اونون الینده اسیر اولموش، بو دفعه دئییر اگر ۴۰ جی آشیق اونو باغلا یا بیلمه سه، ۴۰ آشیقین هامی سینی اولدوره - جکدیر. نریمان بی ایکی الی اولور بیر باشی. ایندی داها گر کدیر ائله بیر آشیق تاپیب گنیرسین کی اؤزوندن علاوه ۳۹ آشیقی دا نجات وئرسین و بیرچک خانیمی باغلا ییب، نریمان بیی اؤز آرزوسونا چاتدیرسین. نریمان بی آختاریر و نهایت آشیق شیرینی تاپیر. آشیق شیرینی خرمدره دن چاغیریب و بو دئییشمه میدانینا دعوت ائدیر.

آشیق شیرین داستانی بئله گؤردوکده و ۳۹ آشیقین اسیر اولدوغونو بیلهرک، مکّه سفیریندن اوز چئویریب آشیقلا ری نجات وئرمه گی واجب بیلیر. دماونده طرف یولا دوشوب، بیرچک خانیمین سارایینا گلیر و نجه گون یاریشمانی دوام ائده رک، نهایت بیرچک خانیمی مغلوب ائدیر. ۳۹ آشیق آزاد اولور و بیرچک خانیم نریمان بی ایله ائولنمه یه راضی اولور.

بو داستان، بو ساده لیگی ایله، چوخ چکیجی و گؤزل دیر. یوزایللر بویو آذربایجان خالق نی راضی سالا بیلیر و بو گونه قدر خالق ایچینده دئییلیب و سئویلیدیر. آنجاق بئله داستانلار آذربایجان آشیق ادبیاتیندا از اولمامیشدیر و بیر چوخلو دئییشمه لر، آشیقلا ری میدان آچمالاری خالقیمیزین خوشونا گلن بیر هنر سایلمیشدیر. بو داستانلار گؤسته ریر کی آذربایجان خالق تاریخ بویو سؤزه، سازا ماراقلی اولاراق بو هنرلرین گنیشلیگینه و گؤزلیگینه نه قدر هوسکار اولموش و سازین - سؤزون اهمیتلی اولدوغونو گؤسته ریر.

بئله داستانلاردان بیر ده "واله و زرنگار" داستانی دیر. اورادا دا داستانین گنیشی آشیق شیرین ایله بیرچک خانیم داستانی دیر. آنجاق اورادا واله ایله زرنگار بیر - بیرلرینه چاتیرلار، اما بور ادا آشیق شیرین نریمان اوچون چالیشیر و هر ایکی

آشيق – واله و آشيق شيرين اۆز هنريله ۳۹ زندانيني نجات وئيرلر.  
بيز ايلك دفعه اولاراق زنگان بۆلگه سيندن بير داستانى توپلاييب، سيز حۆرمتملى  
اوخوجولارا تقديم اتتدك. ياخين گله جكده، "آشيق يوسف جمال ايله طوطى  
شيرين سخن" داستانى، هابئله "ورقا ايله گولشا" نى تقديم اتده جه بيك.